

مطالعه تطبیقی تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر فارسی

احمد مرتضوی*
حمیدرضا انصاری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

چکیده

باغ و ادبیات در حوزه فرهنگی سرزمین ایران، از دیرباز با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. آثار منظوم و منثوری که در آن‌ها باغ به شکل‌های متفاوت و در جنبه‌های گوناگون خود ظاهر شده است، فراوان‌اند. هدف این پژوهش تطبیقی، شناسایی تصویر باغ ایرانی در شعر کلاسیک و معاصر فارسی است. پس از شناسایی این تصویر، پژوهش به درک تفاوت‌ها و شباهت‌های میان آن‌ها می‌پردازد و تصاویر شعری استخراج‌شده را با نظام‌های سازنده باغ ایرانی قیاس می‌کند. پژوهش حاضر سعی دارد تا تصویر باغ ایرانی را در شعر کلاسیک و معاصر فارسی مورد تطبیق قرار دهد. روش انجام این پژوهش، کیفی و متکی بر درک اجزای سازنده باغ، تحلیل استعاره‌های مفهومی و حس فضا است. این موارد نشان می‌دهد که تصویر باغ در اشعار دوره‌های کلاسیک و معاصر چگونه بوده است. برای انجام پژوهش، ۴۸ قطعه شعر کلاسیک و معاصر انتخاب و مطالعه شدند. معیار انتخاب اشعار، حضور کلمه باغ در بدنه شعر و قابلیت برداشت این کلمه به‌عنوان یک استعاره مفهومی بود. نتایج نشان می‌دهد که باغ در تصویر اجزاء، نگاشت استعاری و حس فضا در شعر کلاسیک و معاصر تغییر کرده است؛ در نتیجه، تصویر آن نیز در شعر کلاسیک و معاصر فارسی تغییرات مهمی داشته است. این تغییرات در چهار قسمت کلی تحلیل عناصر (اجزاء، وجه توصیفی، کاربست)، توصیف عناصر (عناصر طبیعی، مصنوع، غیر کالبدی و انسان)، رویکرد شاعر (جزء و کل‌نگر، صراحت و ابهام) و نحوه بیان تصویر (تصویر شعر، فرم باغ، نمادپردازی) مطرح شده‌اند. تغییرات نشان می‌دهند که فرم باغ در شعر کلاسیک بر الگوی شناخته‌شده باغ ایرانی منطبق است که تصویری به‌هم‌پیوسته، معین و صریح است؛ اما در شعر معاصر، این فرم در هم شکسته و به تصاویری منقطع در خدمت ایجاد تجربه‌ای غافلگیرکننده تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها:

شعر کلاسیک، شعر معاصر، مطالعه تطبیقی، استعاره مفهومی، تغییرات تصویر باغ در شعر.

پرسش‌های پژوهش

۱. تصویر باغ در شعر فارسی کلاسیک و معاصر چگونه است؟
۲. تصویر باغ در شعر فارسی کلاسیک و شعر فارسی معاصر چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟

مقدمه

ادبیات بازتاب اندیشه‌ها و نگرش‌های انسان در طول تاریخ در مورد طبیعت است (پارساپور ۱۳۹۱). در شعر فارسی و تحلیل آن نیز طبیعت نقش مهمی داشته است. شفیع کدکنی (۱۳۹۵) در کتاب *صور خیال در شعر فارسی*، بخشی را به بیان عناصر طبیعت در صور خیال اختصاص می‌دهد و در بخشی دیگر، حرکت و سکون در تصاویر شعری را با سنجۀ نوع نزدیک شدن شاعر به طبیعت می‌سنجد.

باغ در تمامی فرهنگ‌ها و با تمام تفاوت‌ها، اوج تبلور نقش طبیعت در معماری است. باغ تا آنجا اهمیت دارد که برخی، فرم‌ها و اشکال موجود در آن را همچون صوری ملکوتی و قدسی تعبیر می‌کنند که در سیروسلوک‌های عارفانه به عالم ماده آورده شده است (شیبانی ۱۳۹۳). در عصر حاضر و در ادبیات معاصر نیز رد پای باغ با رویکردی متفاوت از گذشته به چشم می‌خورد. این پژوهش به بررسی تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر پرداخته است.

ارتباط باغ و شعر از جهت پیوندی که هر دو با احساس انسان دارند، همواره موضوع مورد مطالعه متخصصان بوده‌اند. پژوهش‌ها موضوع باغ و شعر را به شکل‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. محققان نشان داده‌اند که جایگاه باغ در شعر ایرانی بسیار فراتر از آن چیزی است که ما امروزه و یا بنا بر تعریف فرهنگ لغت از آن می‌شناسیم (فرزین و هاشمی‌زادگان ۱۳۹۵). بسیاری از پژوهشگران معتقدند که بسامد فراوان واژگان مرتبط با باغ در شعر فارسی را باید ناشی از قربت نحوه آفرینش هنری در رابطه با تبیین حکمت آفرینش در منظر شاعران دانست (شیبانی و کسروی ۱۳۹۶). در کنار نگاه‌هایی که به کلیاتی مثل اهمیت جایگاه باغ در شعر فارسی پرداخته است، برخی دیگر به کاوش در نگاه یک شاعر خاص به مقوله باغ (مثلاً حافظ یا سعدی) و یا دقت در عناصر خاص باغ پرداخته‌اند؛ در نتیجه، می‌بینیم که تمرکز کلی بر مواردی همچون جایگاه باغ در شعر فارسی، اهمیت باغ در نگاه شاعران ایرانی و عناصر باغ در شعر فارسی بوده است. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که موارد مذکور به شکل عمومی بیشتر در ارتباط با شعر کلاسیک بررسی شده‌اند.

تصویر باغ و تفاوت‌های آن در شعر کلاسیک و معاصر فارسی می‌تواند سیر تحول به موضوع باغ را نشان دهد و باعث شکل‌گیری درک بهتری نزد پژوهشگران این عرصه از ظرایف و پیچیدگی‌های مفهوم باغ در ذهن شاعران ایرانی شود. همچنین با ایجاد اتصال میان دو مفهوم باغ و شعر، پژوهش سعی در گسترش گفت‌وگوهای بین رشته‌ای با تمرکز بر مفهوم «تصویر باغ در شعر فارسی» دارد؛ در نتیجه، این پژوهش به دنبال آن است تا تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر را به شکلی تطبیقی مطالعه کند. برای درک تصویر باغ در دو شعر یادشده، باید به مفهوم تصویر در شعر توجه داشت. گفته شده است که تصویر اگر اساس شعر نباشد، یکی از اصلی‌ترین عناصر آن است (شوکتی و تایوغ ۱۳۹۷). یکی از تصویرسازترین عناصر شعری، استعاره است و استعاره مفهومی، روشی برای فهم جنبه‌های پنهان موجود در زبان است (حسن‌زاده نیری و حمیدفر ۱۳۹۸). از این رو پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل استعارات مفهومی، سعی در درک تصویر باغ و تغییرات آن در شعر کلاسیک و معاصر دارد؛ در نتیجه، می‌توان اهداف پژوهش را شناسایی کرد و تجزیه و تحلیل تصویر عناصر باغ در شعر فارسی و تطبیق آن‌ها در شعر معاصر و کلاسیک را برای کشف تفاوت‌ها در حس فضای باغ، رویکرد شاعر به باغ و نحوه بیان تصویر باغ در نظر گرفت. همچنین یکی دیگر از اهداف پژوهش قیاس تصویر باغ در شعر فارسی معاصر و کلاسیک با الگوی شناخته‌شده باغ ایرانی و عناصر و نظام‌های سازنده آن است.

۱. پیشینه پژوهش

باغ‌ها به شکل‌های مختلف در انواع شعر وارد شده‌اند. مانند بسیاری از شاعران ایرانی که اشعار آن‌ها در این پژوهش بررسی شده است، شاعران در فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر نیز باغ را از دریچه‌های مختلفی دیده‌اند. برخی از آن‌ها با استفاده از باغ، مضامینی مانند رشد، زیبایی، دگرگونی و گذر زمان را نشان داده‌اند. برای مثال، «ویلیام وردزورث»^۱ در شعر «خطوط نوشته شده در اوایل بهار» از تنفس گل تازه‌رویده در هوای بهاری باغ به‌نشانه رویش و امید سخن گفته است. برخی دیگر مانند مثل «جان کیتس»^۲ باغ را در نقش جهان کوچکی برای تأمل در تجربیات انسانی دیده‌اند. در سنت شعر هایکو روایت لحظه‌ای خاص و مختصر از طبیعت بیان می‌شود. «ماتسوئو باشو»^۳ هایکوسرای بزرگ ژاپن، این لحظه را در پیوند با تنهایی چنین بیان می‌کند: «در سکوت، در صخره، رسوخ می‌کند، صدای زنجره!»^۴ امتداد همین نگاه را می‌توان در شاعران امروزی مانند «مری الیور»^۵ دید که سعی می‌کند تا از روایت صرف باغ عبور کرده، به درون احساس آن وارد شود. او باغ را به‌عنوان دریچه‌ای برای بیان احساسات پیچیده، گذر زمان و خاطرات می‌بیند. این نگاه منجر به ایجاد حس اتحاد بوم‌شناختی و شاعرانه با طبیعت می‌شود؛ حسی که آن را اکوکرییتیکیسم^۶ و شاعرانگی انتقادی در محیط نیز نامیده‌اند.

در زمینه آثار پژوهشی، موارد زیادی از تطبیق میان شعر و باغ به چشم می‌خورد. این قیاس منحصر به پهنه ادبیات سرزمین ما نمی‌شود. برای مثال در مقاله تحلیل عناصر معماری در محاکمه کافکا (رفاهی و نصری ۱۳۹۸)، پژوهشگران ظرافت‌های محیطی معماری و عناصر طبیعی توصیف شده در آثار کافکا و رمان محاکمه را دنبال کرده‌اند. جست‌وجوی تشابهات معماری و ادبیات دست‌مایه پژوهش دیگری با عنوان جستاری در مشابهات معماری و ادبیات است (خاصی هامانه و روحی ۱۳۸۷). اما اگر به‌شکلی ویژه بخواهیم وارد حوزه پیشینه پژوهشی مرتبط با مقاله پیش رو شویم، لازم است تا ادبیات را به شعر و معماری را به معماری منظر و باغ محدود کنیم. با بررسی کلیدواژه‌های مرتبط با این مفاهیم در پایگاه‌های مقالات بین‌المللی و داخلی مشخص می‌شود که رابطه میان شعر و باغ با تمرکز بر جنبه‌های مختلفی از آن‌ها بررسی شده است: گاهی با تمرکز بر وجه نمادین باغ در شعر، گاهی با تمرکز بر تصویر باغ در شعر و گاهی با در نظر گرفتن تأثیر باغ‌ها بر الهامات شاعرانه.

در زمینه تأثیر باغات بر الهام شاعرانه، برخی پژوهشگران با مطالعه تأثیر انواع باغ‌ها بر الهامات شاعران نتیجه می‌گیرند که تجارب حسی موجود در انواع باغ‌ها روند خلاقیت و الهام‌بخشی شاعران را به شکل‌هایی مختلف تقویت می‌کند (Smith 2010b). نویسنده دیگری نیز با نگاهی روان‌شناختی به بررسی تأثیر باغ‌ها بر الهامات شاعرانه می‌پردازد. نویسنده مکانیسم‌های روان‌شناختی درگیر در فرایند خلاقیت را بررسی می‌کند و درباره اینکه باغ‌ها چگونه می‌توانند تخیل را تحریک و بیان شاعرانه را تقویت کنند، بحث می‌کند (Miller 2018). پژوهشگر دیگری نیز باغات را به‌مثابه یک موزه الهام‌بخش برای شاعران قلمداد کرده است (Brown 2015a).

از آنجاکه کاوش در بحث نمادگرایی باغ‌ها و تصویر باغ در شعر به موضوع پژوهش حاضر نزدیک‌تر است، در ادامه، این موارد به‌شکل گسترده‌تری بررسی می‌شوند. کاوش در بحث نمادگرایی باغ‌ها در شعر به دنبال این است که نشان دهد چگونه باغ‌ها به‌عنوان استعاره برای مضامین مختلف مانند طبیعت، زیبایی و چرخه رشد و از بین رفتن استفاده می‌شوند. این مطالعات به عمق معانی پشت تصاویر باغ در اشعار می‌پردازند و با استفاده از این نمادها، تفسیرهای روشنگرانه و تحلیل‌های انتقادی ارائه می‌دهند. بررسی باغ‌ها به‌عنوان نمادی از رشد و تغییر در برخی از پژوهش‌ها دیده می‌شود. برای مثال، پژوهشی به نقش باغ‌ها در شعر هایکوی ژاپنی می‌پردازد و اهمیت فرهنگی و زیبایی‌شناختی باغ‌ها را در ادبیات ژاپنی بررسی می‌کند. این مقاله با استفاده از روش تحلیل موضوعی و استخراج درون‌مایه‌های معنایی استدلال می‌کند که باغ‌ها در شعر هایکو به‌عنوان استعاره‌ای برای تجربه انسان عمل می‌کنند و حس هماهنگی و ذهن‌آگاهی را برمی‌انگیزند (Lee 2018). باغ در وجوه استعاری دیگر نیز در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است. مؤلف پژوهشی با توجه به توانایی باغ‌ها در انعکاس نمادین مفاهیم مربوط به قدرت، نتیجه می‌گیرد که باغ‌ها و شعرها این پتانسیل را دارند که ساختارهای مسلط را مختل کنند و راه‌های جایگزین برای درک و تعامل با جهان ارائه دهند

(Bennett 2010). نویسنده دیگری نیز با بررسی طیف وسیعی از اشعار که از باغ‌ها به‌عنوان نمادهای رشد، دگرگونی، زیبایی و زوال استفاده کرده‌اند، به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که در آن شاعران از تصاویر باغ برای انتقال احساسات پیچیده، کشف مضامین وجودی و تأمل در شرایط انسانی استفاده می‌کنند. پژوهشگر بر تطبیق‌پذیری تصاویر باغ و توانایی آن در برانگیختن معانی چندلایه انسانی تأکید می‌کند. این مقاله نشان می‌دهد که ارتباط نمادین بین باغ‌ها و اشعار، زمینه‌ای مهم برای رشد تفسیرپذیری است (Jones 2012).

در پژوهشی با روشی نزدیک به تحلیل محتوای استعارات موجود، باغ به‌عنوان استعاره قدرتمندی از چرخه مرگ و حیات در نظر گرفته شده است (Smith 2010a). در پژوهشی دیگر به مقایسه تصویر میان باغ‌های رمانتیکی و مدرنیستی پرداخته شده است. این پژوهش اشعار منتخب از هر دو دوره را تجزیه و تحلیل می‌کند و چگونگی تصویر باغ‌ها و مضامین اساسی مرتبط با آن‌ها را بررسی می‌کند (Brown 2015b). این مقاله که از نظر روش‌شناسی و هدف واحدی مشابه پژوهش حاضر است، به بررسی تفاوت‌های موجود در تصویر باغ‌ها در شعر رمانتیک و مدرن می‌پردازد و با استفاده از یک تحلیل متکی بر تطبیق نشان می‌دهد که در شعر رمانتیکی، اغلب تصویر باغ به‌عنوان فضاهای نمادین و هماهنگ دیده می‌شوند، اما در شعر مدرن این تصویر به‌صورت تکه‌تکه و آشفته است. همچنین توجه به تصویر باغ در شعر، در پژوهشی معطوف به چگونگی ایجاد خیالات نوستالژیک شده است. نویسنده شعرهای متعددی را که باغ‌ها را به تصویر می‌کشند، تحلیل می‌کند و روش‌های ترجمه عناصر فیزیکی باغ مانند گل‌ها، درختان و مناظر به زبان شاعرانه را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که باغ‌ها تأثیر بسزایی بر زبان و خلق تصویر نوستالژیک دارند (Johnson 2012).

پژوهشگران داخلی نیز موضوع را بیشتر از دریچه بررسی آثار شاعران مطرح ایرانی و مفهوم کلی باغ در آثار آنان بررسی کرده‌اند. برای نمونه، پارساپور (۱۳۹۱) با در نظر گرفتن شکل‌های چهارگانه‌ای از توصیف طبیعت در شعر فارسی، برای هر کدام از این دسته‌ها نیز نمونه‌هایی از ادوار مختلف شعر را در نظر می‌گیرد. همچنین نقی‌زاده (۱۳۹۳) در «تأملاتی در تمثیل بهشت نامیدن باغ ایرانی»، با تکیه بر آیات، احادیث، روایات و به‌شکل ویژه آثار شاعران نشان می‌دهد که ریشه‌های این تصور به چه صورت در طول ادوار تاریخی همراه با روزگار پیش آمده است. جمشیدیان و شکوری (۱۳۹۳) بیان نمایشی نیما از مفهوم منظر را با عنوان «منظری دیگر از نگاه نیما» به رشته تحریر درآورده‌اند. آنان معتقدند که در شعر کلاسیک، نگاه روایتگر شاعر به محیط سبب می‌شود که محیط به‌مثابه منظر کم‌رنگ جلوه کند. این موضوع با ورود شعر نو و سبک نیما، در ادبیات فارسی و به‌ویژه در شعر پدیدار می‌شود. چنین شکلی از پژوهش با استفاده از تحلیل کیفی محتوا و روایت اشعار انجام شده است. غفوری (۱۳۹۰) در مقاله «باغ ایرانی در شعر حافظ» به بررسی وجوه مختلف باغ ایرانی از نگاه حافظ پرداخته است. او ابتدا صفاتی از باغ ایرانی همچون خوش‌رایحه بودن، کاربردی بودن، مثمر بودن، آرامش‌بخش بودن و... را مد نظر قرار داده و سپس به سراغ همین نشانه‌ها در شعر حافظ رفته و نوعی تطبیق و تشابه میان اثر معماری و ابیات کلاسیک را به وجود آورده است. در زمینه انطباق میان شعر حافظ و باغ ایرانی آثار دیگری نیز به ثبت رسیده‌اند. «باغ‌های ایرانی در غزل‌های حافظ» (امامی ۱۳۸۲) را شاید بتوان یکی از اولین نمونه‌های این پژوهش‌ها دانست که پژوهشگر با ورود به بحث باغ‌های ایرانی سعی کرده است تا ارتباط میان اشعار حافظ با جنبه‌های مختلف باغ ایرانی را دریابد؛ زیرا به تعبیر او، از مطالعه اشعار حافظ می‌توان به بسیاری از جنبه‌های ندیدنی باغ ایرانی پی برد. پژوهشگر پس از تشریح باغ ایرانی و اندیشه حافظ، به سراغ جلوه‌های باغ ایرانی، همچون بنبه‌گاه و... رفته و آن‌ها را در ابیات حافظ جست‌وجو کرده است. همچنین او اشاره دارد که حافظ به بسیاری از باغات شیراز همچون باغ نظر، باغ جهان‌نما و... در اشعارش اشارات مستقیم و غیرمستقیم دارد. نگاه پژوهشگر کیفی و مبتنی بر فهم و تفسیر او از موضوع است. پژوهش دیگری با عنوان «طبیعت انسانی در نگاه عرفانی، باغ در منظر حافظ» (شیبانی و کسروی ۱۳۹۶) صورت گرفته است. این پژوهش با تقسیم‌بندی شعر در نسبت با طبیعت به دو وجه طبیعت‌گرای توصیفی و طبیعت‌گرای تأویلی، به توصیف ویژگی‌های آنان پرداخته است. او اعتقاد دارد که حضور باغ در صورت شعر عارفانه پیامد اتفاقی درونی است که از حس زیبایی‌شناسی و در نتیجه جهان‌بینی فرد (حافظ-عارف) پدیدار

شده است. در پژوهشی دیگر، محققان باغ را در اشعار و تفکر سعدی بررسی کرده‌اند (فرزین و هاشمی‌زادگان ۱۳۹۵). آن‌ها با مبنا قرار دادن دسته‌بندی هرمنوتیک ادبی از لحاظ موضوعی، به تطبیق اشعار سعدی در موضوع باغ پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که باغ در نگاه سعدی نه یک کالبد صرفاً بیرونی بلکه مقامی برای برانگیختن حالتی عرفانی در شخص است. نگاه قابل ذکر دیگر در این زمینه یافتن تشابهات ساختاری میان باغ و شعر کلاسیک فارسی است. پژوهشگران در تقارب ساختار و معنا در باغ و شعر شیراز (باستان‌فرد و لیالی مطلق ۱۳۹۴) از جنبه ساختاری و معنایی انواع شعر فارسی را با ساختارهای هندسی باغ ایرانی با استفاده از ابزار تطبیق مورد تحلیل قرار داده‌اند. در نتیجه با بررسی آثار منتشر شده در زمینه ارتباط باغ با شعر می‌توان نوعی از طبقه‌بندی موضوعی را نیز در پژوهش‌ها در نظر گرفت. این طبقه‌بندی شامل بررسی نگاه یکی از شاعران به مفهوم باغ، بررسی مفهوم کلی باغ در شعر فارسی، بررسی یک عنصر ویژه مانند هندسه در باغ و مقایسه گونه‌های مختلف باغ در شعر است.

جدول ۱ انواع نگاه‌های موجود در پژوهش‌های صورت گرفته را در سه دسته تحلیل‌های موضوعی، تحلیل‌های محتوایی و روش‌شناسی پژوهش تقسیم‌بندی کرده است.

جدول ۱: جمع‌بندی پیشینه پژوهش

موضوعی	محتوایی	روش‌شناسی	منبع
تحلیل محتوای استعاری	تحلیل تطبیقی		(امامی ۱۳۸۲)
	تحلیل روایت		(غفوری ۱۳۹۰)
	تحلیل مضمونی		(جمشیدیان و شکوری ۱۳۹۳)
	تحلیل محتوای کیفی		(شیبانی و کسروی ۱۳۹۶)
	تحلیل محتوای کمی		(فرزین و هاشمی‌زادگان ۱۳۹۵)
تأثیر باغ بر الهامات شاعرانه	بازنمایی تصویر باغ در شعر		(باستان‌فرد و لیالی مطلق ۱۳۹۴)
	وجه نمادین باغ در شعر		(نقی‌زادگان ۱۳۹۳)
	مقایسه گونه‌های باغ در شعر		(Bennett 2010)
	عناصر ویژه باغ در شعر		(Smith 2010a)
	مفهوم کلی باغ در شعر		(Jones 2012)
باغ در نگاه یک شاعر خاص			(Johnson 2012)
			(Brown 2015b)
			(Lee 2018)
			(Miller 2018)

مقالات داخلی

مقالات خارجی

پژوهش حاضر، از نظر موضوعی، مفهوم کلی باغ و عناصر ویژه آن را در شعر دنبال می‌کند. از نظر محتوایی، ایده‌ها و روایت‌های مبتنی بر تصاویر باغ بهره می‌برد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و روش تحلیل و تفسیر استعاره به انجام رسیده است. تجزیه و تحلیل استعاره (Conceptual Metaphor Analysis) یک روش تحقیق کیفی است که شامل بررسی استفاده از استعاره در زبان برای به دست آوردن بینش در مورد چگونگی درک و تجربه مردم از دنیای اطراف است (Schmitt 2005). در استعاره‌های مفهومی، گوینده مفهومی را که فهم دشواری دارد، با استفاده از تجربه‌های شناخته‌شده و طرح‌واره‌های تصویری، برای مخاطب قابل درک می‌کند. این روش یک اصل بنیادین دارد که بیان می‌کند می‌توان یک تشبیه و تصویر مادر و نهفته را از مجموع تعبیرها و مفاهیم موجود در یک حوزه درک کرد. در واقع در استعاره مفهومی شبکه‌ای از روستاها به مدد تأویل و تفسیر، به یک زیرساخت تشبیهی می‌رسند. «لیکاف» و «جانسون» معتقدند که استعاره مفهومی در زندگی روزمره ما به‌شکلی ناخودآگاه جاری است (حسن‌زاده نیری و حمیدفر ۱۳۹۸).

با در نظر گرفتن روش تحلیل استعاره مفهومی، برای بررسی چگونگی بازنمود «باغ» در شعر کلاسیک و معاصر فارسی، اشعار از تارنمای گنجور (آثار سخن‌سرایان پارسی‌گو) با کلیدواژه «باغ» گردآوری شدند. پس از انجام جست‌وجو و از میان تعداد زیاد اشعار، مواردی که در آن‌ها مفهوم «باغ» در قالب یک استعاره مفهومی قابل برداشت بود، انتخاب شدند. تعداد ۳۰ قطعه شامل غزل و قصیده از شاعران سبک‌های کلاسیک (خراسانی، عراقی، هندی) با این رویکرد انتخاب شد. همچنین با توجه به اینکه در این پایگاه اطلاعاتی، آثار شعرای معاصر قرار نگرفته است، از نرم‌افزار چکامه برای جست‌وجوی آثار آن‌ها و انتخاب موارد بررسی که شامل ۱۸ مورد بود، استفاده شد. اشعاری که حاوی کلمه باغ در قالب یک استعاره مفهومی باشند، از نظر اجزای باغ، نگاشت استعاری (نشان‌دهنده کیفیت‌های باغ) و حس فضای باغ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

همچنین باغ از نظر اجزای سازنده خود (نظام‌های کاشت، آب، اتمسفر و...) با شعر کلاسیک و معاصر سنجیده شد تا نشان داده شود که چه عناصری از باغ در شعر کلاسیک و معاصر نقش داشته‌اند. در نهایت، همه این موارد در شعر کلاسیک و معاصر مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته‌اند. این بررسی نشان خواهد داد که تصویر باغ ایرانی در اشعار کلاسیک و معاصر چگونه بوده است و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد.

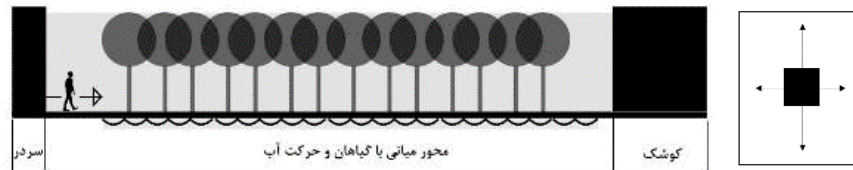
۳. چارچوب نظری و ساختار پژوهش

این پژوهش به موضوع مطالعه تطبیقی میان تصویر باغ در شعر معاصر و کلاسیک ایران می‌پردازد؛ در نتیجه، باید پیش از هر چیز این موضوع مشخص شود که «باغ ایرانی»، «تصویر در شعر» و «شعر کلاسیک و معاصر» چه تعاریفی دارند.

۳.۱. باغ ایرانی

تشابه باغ ایرانی با توصیفات موجود از انهار بهشتی، درخت طوبی، غرفه‌ها و مسکن باغ‌های بهشتی، وجود دیوار، نام‌هایی چون فردوس، پردیس، پردتیز، جنت و... نشان می‌دهد که باغ ایرانی تصویری رؤیایی و آرمانی از بهشت موعود بوده که جلوه‌ای از هنر آمیختن عناصر طبیعی را به نمایش می‌گذاشته است (انصاری و محمودی‌نژاد ۱۳۸۵). در زمینه شناسایی کالبد باغ ایرانی، نظریه چهاربخشی بودن الگوی باغ ایرانی که اولین بار «استروناخ» آن را مطرح کرد، تا مدت زیادی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد؛ اما گسترش پژوهش‌ها نشان داد که این الگو، نمی‌تواند تنها الگوی باغات ایرانی در نظر گرفته شود. اگرچه الگوهای متنوعی از باغ ایرانی وجود دارد و نمی‌توان تمام گونه‌های باغ ایرانی را به یک الگو فروکاست، از نظر کالبدی، وجود چشم‌انداز مستطیلی و کشیده میانی و اهمیت شکل هندسی مربع و مستطیل برای نشان دادن ساده و روشن اجزای باغ و همچنین وجود کوشک، دیوار و بنای سردر، ویژگی عموم باغ‌های ایرانی است (پیرنیا ۱۳۷۳). باغ ایرانی با حصاری در شکل مستطیل محصور شده و با محورهای عمود بر هم و موازی با اضلاع حصار تقسیم‌بندی می‌شود و در شکل یابی نظام استقرار سایر نظام‌ها، زمینه هندسی مربوط به دیگر نظام‌ها از جمله نظام آبیاری، کاشت، معماری و... را فراهم می‌کند (میرفندرسکی ۱۳۸۳). وجود چشم‌انداز وسیع بر مبنای محور اصلی باغ به عنوان فضای اصلی، پرسپکتیوهای عمیق در راستای این محور، حضور آب در محور اصلی، وجود فضاهای مستقل و کامل در

کنار فضای اصلی باغ، هندسه تا حد امکان مستطیل شکل و وجود طرح‌های کاشت گوناگون درختان و گل‌ها (تعامل با طبیعت به جای طبیعت‌گرایی یا طبیعت‌گریزی) از ویژگی‌های دیگر عموم باغات سنتی ایران است (منصوری ۱۳۸۴). شاهچراغی (۱۳۹۳) نظام‌های اصلی شکل‌دهنده به کالبد باغ ایرانی را شامل نظام کاشت (گیاهان، گل‌ها و درختان) نظام آب (انواع مختلف حضور آب در باغ)، نظام هندسی، نظام ابنیه (شامل دیوار، سردر و کوشک)، نظام مناظر و مرایا، نظام حواس و... در نظر می‌گیرد (این دسته‌بندی از نظام‌های باغ ایرانی در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد)؛ در نتیجه می‌توان تصویر ۱ را بیانی ساده از الگوی آشنا و شناخته‌شده باغ ایرانی در نظر گرفت.

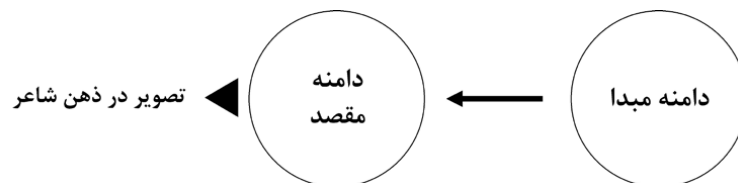


تصویر ۱: نقشه و برش طرح‌واره‌ای از کالبد شناخته‌شده باغ ایرانی

۲.۳. تصویر در شعر

خواجه نصیرالدین طوسی شعر را کلامی مخیل می‌داند و قدامة بن جعفر معتقد است شعر سخنی موزون و مقفّاست که بر معنای مشخصی دلالت دارد. با وجود تمام تفاوت‌ها عموم صاحب‌نظران ماده اصلی شعر را خیال (تصویر-ایماژ) می‌دانند (فروزنده ۱۳۸۶). با توجه به اینکه ایماژ یا خیال عنصر اصلی در جوهر شعر است، منتقدان اروپایی مانند «دی‌لوپس» نیز خیال را تصویری می‌دانند که به کمک کلمات ساخته شده است. یک توصیف یا صفت یا یک تشبیه و استعاره ممکن است ایماژ بیافریند. سخنوران غربی استعاره را ملکه تشبیهات مجازی نامیده‌اند. مقام استعاره در شعر تا جایی است که این خلدون شعر را کلامی مبتنی بر استعاره و اوصاف می‌نامد. ابزاری که به واسطه آن اشیای متغایر و ناپیوسته به یکدیگر پیوند می‌یابند (شفیعی کدکنی ۱۳۹۵، ۱۴). تشبیه و استعاره مهم‌ترین و پرکاربردترین موضوعات علم بیان در شعرند. شفیعی کدکنی نیز در اثر مهم خود، صور خیال در شعر فارسی، استعاره و تشبیه را در کنار مجاز، اغراق، تشخیص و کنایه نام برده است. تشبیه، هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است و استعاره شکل فشرده آن (پورنامداریان ۱۳۸۱، ۴). استعاره شکل‌های گوناگونی دارد و گونه‌ای از آن، استعاره مفهومی است. استعاره مفهومی درک یک حوزه تجربی براساس یک حوزه تجربی دیگر است. مسیر این درک از حوزه مبدأ به مقصد، در زبان ریاضیات «نگاشت» نامیده می‌شود که الگوریتمی از انطباق یک‌به‌یک بین این دو حوزه است. برای مثال، در عبارت «بین چه مسافتی را آمدیم؛ اما بر سر دوراهی هستیم. فکر می‌کنم ما به بن‌بست رسیدیم» شبکه‌ای از واژگان وجود دارد که نشان می‌دهد استعاره مفهومی را می‌توان «عشق یک سفر است» در نظر گرفت. تصویر ۲ فرایند نگاشت و شکل‌گیری یک تصویر با استفاده از استعاره مفهومی را نشان می‌دهد (حجازی ۱۳۹۵).

ما به کمک عنصر استعاره می‌توانیم یک موضوع مشخص همچون تصویر باغ را در شعر کلاسیک و معاصر مطالعه و تفسیر کنیم و به قضاوت بنشینیم.



تصویر ۲: نگاشت از دامنه مبدأ به دامنه مقصد در استعاره مفهومی

۳.۳. شعر کلاسیک و شعر معاصر در ادبیات فارسی

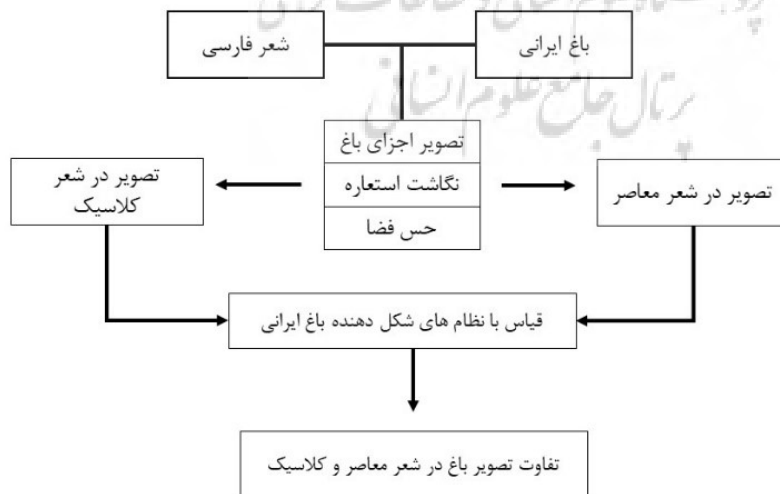
منظور از شعر کلاسیک و شعر معاصر در این پژوهش مرتبط با سبک‌های شعری خراسانی، هندی و عراقی در دسته کلاسیک و مرتبط با قالب‌های نیمایی و سپید در دسته معاصر است. همچنین در میان این دو سبک، سبک دوره بازگشت و بیداری قرار دارد که زمینه‌ساز حرکت از شعر کلاسیک به شعر معاصر است. جدول ۲ دسته‌بندی سبک‌های شعر فارسی مورد مطالعه در این پژوهش را نشان می‌دهد که شامل سبک‌های خراسانی، عراقی و هندی و سبک‌های معاصر است.

جدول ۲: دسته‌بندی سبک‌های شعر فارسی مورد مطالعه در این پژوهش

سبک‌های معاصر	تفاوت	سبک‌های کلاسیک		
		نام	سبک خراسانی	سبک عراقی
سبک نیمایی و سپید		سبک خراسانی	سبک عراقی	سبک هندی
اوایل قرن ۱۴ تاکنون		اوایل قرن ۴ تا قرن ۶	قرن ۷ تا اواخر قرن ۹	قرن ۱۱ تا اوایل قرن ۱۲

ساختار این پژوهش براساس مؤلفه‌های باغ و تصویر آن در شعر کلاسیک و معاصر ایران شکل می‌گیرد. پس از فهم کلیت باغ سنتی ایرانی، نیاز به معیاری وجود دارد که به‌واسطه آن میان تصویر باغ در اشعار کلاسیک و معاصر ارتباط برقرار شود. همان‌طور که عنوان شد، استعاره مفهومی معیاری است که به کمک آن تفاوت‌های تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر درمی‌یابیم. ابیاتی که انتخاب شده‌اند، یا کلمه باغ را در خود داشته و یا در ابیات دیگر شعر حاوی این کلمه بوده‌اند. معیار مهم دیگر برای انتخاب این ابیات این بود که مفهوم «باغ» در قالب یک استعاره مفهومی از آن‌ها قابل برداشت باشد. در هر کدام از ابیات، ابتدا تصویر اجزای باغ استخراج شد تا مشخص شود که شاعران چه ویژگی‌های کالبدی از باغ را مشاهده و در شعر خود استفاده کرده‌اند. سپس نگاشت استعاره‌های مفهومی انجام شد تا مشخص شود که ویژگی اصلی باغ در این ابیات چگونه بوده است. نگاشت استعاری نشان می‌دهد که باغ در هر کدام از ابیات چگونه مکانی است. در نهایت نیز حس فضای باغ با توجه به این استعاره‌ها آورده شده است.

در مرحله بعد، تصویرسازی شاعر از حس‌های فضایی مشترک میان دو دوره شعر کلاسیک و معاصر بررسی شده است. این تصویرها نشان می‌دهد باغ در شعر کلاسیک و معاصر چه تصویری داشته است (پاسخ سؤال اول پژوهش) سپس تصاویر مورد تطبیق قرار می‌گیرند تا تفاوت‌ها و شباهت‌ها مشخص شود (پاسخ سؤال دوم پژوهش). تصویر ۳ فرایند تطبیق را نشان می‌دهد.



تصویر ۳: ساختار کلی پژوهش

۴. یافته‌ها

جدول ۳ بیت‌های اشعار در دوره‌های مختلف، تصویر اجزا، نحوه نگاشت استعاره و حس فضای هر کدام از ابیات را نشان می‌دهد. در این جدول، تصویر اجزای باغ از میان ۴۸ بیت از اشعار شاعران سبک‌های مختلف استخراج شده است. هر کدام از تصاویر به یک استعاره، نگاشت شده‌اند. هر استعاره نگاشسته شده، احساس فضایی خاصی را در باغ نشان می‌دهد؛ در نتیجه، جدول ۳ نشان می‌دهد که تصویر اجزا، استعاره‌ها و احساسات فضایی باغ در شعر کلاسیک و معاصر چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند.

جدول ۳: تحلیل ابیات منتخب براساس تصویر اجزا، نگاشت استعاره و حس فضا

شاعر	نمونه بیت شعری	تصویر اجزا	نگاشت استعاره	حس فضایی باغ
فرخی سیستانی	۱ نیلگون پرده برکشید هوا باغ بنوشت مفرش دنیا	آسمان آبی و سطح پر گل باغ	صحنه نمایشی بزرگ	شاد
قصاید شماره ۲ (در مدح خواجه عمید ابومنصور) و ۲۵ (در مدح ابویعقوب سپهسالار) و رباعی شماره ۱۸	۲ گر نه عاشق شده‌ست برگ درخت از چه زرد گشت و پشت دوتا	درختان تکیده و شکسته	مکان افراد عاشق شکست خورده	غمگین
۳ ای گلین نورسیده در باغ بهار گل‌های تو را ز بیم خار بسیار	درختان و بوته‌های گل سرخ	خطرناک برای افراد زیبارو و لطیف	فریبده	
۴ چون بلور شکسته، بسته شود گر براندازی آب را به هوا	آب در جوی یا استخر	بسیار سرد	سحرانگیز	
۵ سرو را سبزیایی به میان دربنند بر سر نرگس تر سازند از زر کلاه	درختان و گل‌ها	محل تاج‌گذاری و مراسم حکومتی	رسمی	
۶ نوروز پیش از آنکه سرپرده زد به در با لبتان باغ و عروسان مرغزار	درختان و گل‌ها	محل اسکان در سفر و خوش‌گذرانی با زیبارویان	مفرح	
۷ چون درنگرد باز به زندانی و زندان صد شمع و چراغ اوفتدش بر لب و دندان	درب نفوذناپذیر باغ	محل تاریک برای حبس کردن	ترسناک	
۸ پستانکتان شیر به خروار گرفته آورده شکم پیش و ز گونه شده رخسار	انگورهای رسیده بر درختان	محل معاشقه پنهانی	گناه‌آلود	
۹ فراش خزان ورق بپشاند نقاش صبا چمن بیاراست	سطح سبز گسترده	محل نقاشی	هنری	
۱۰ سرو شد افراخته، کار چمن ساخته نعره‌زنان فاخته، بر سر بید و چنار	پرنده‌گان در حرکت، درختان و گیاهان سبز	مکانی پر جنب‌وجوش و پرسروصدا	پرتحرک	
۱۱ به جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی چرا نظر نکنی یار سروبالا را	درخت کشیده در کنار جوی آبی	جایگاه زیبارویان	فریبده	
۱۲ خاطر به باغ می‌رودم روز نوبهار تا با درخت گل بنشینم به بوی دوست	درخت گل	مکان قرارهای عاشقانه	خاطره‌انگیز و نوستالژیک	
۱۳ می‌بیاور که ننازد به گل باغ جهان هر که غارتگری باد خزانی دانست	گل زیبای باغ	مکان افراد زیبا	در معرض نابودی	
۱۴ ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن در این چمن که گلی بوده است یا سمنی	سطح سبز تخریب‌شده	صحنه پس از گردباد	ویران	
۱۵ صبحدم مرغ چمن با گل نواخته گفت ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت	غنچه‌های زیاد و چلچله	مکان گفت‌وگوهای عاشقانه و لحظه‌های خوش‌زودگذر	در معرض پیری	
۱۶ بلبل عاشق، تو عمر خواه که آخر باغ شود سبز و شاخ گل به بر آید	بلبل، باغ سبز و گل سرخ	مکان رویش و سرسبزی همیشگی	امیدبخش	

سبک سیستانی

سبک عراقی

۱۷	خوش‌وقت رهروی که درین باغ چون نسیم بی‌اختیار آمد و بی‌اختیار رفت	نسیم کوتاه در باغ	محل گذر موقت	خنک و سبک	
۱۸	باغ‌ها آینهٔ سرو خرامان تواند بادها مشاطهٔ زلف پریشان تواند	عناصر انعکاس‌دهنده درختان (مانند استخرها)	محل آرایش زیبارویان	پر از نور و تالابو	
۱۹	معاشران سبک‌سیر از جهان رفتند به غیر آب روان هیچ‌کس به باغ نماند	جوی آب	مکان ساکت و بدون وجود انسان‌ها	خلوت و تنهایی	صائب تبریزی غزل شماره‌های ۹۲ و تک‌بیت ۵۸۶، ۴۴۴، ۹۱۱، ۴۶۲ و...
۲۰	یک دل گشاده از نفس گرم من نشد این باغ پر ز غنچه تصویر بوده است	غنچه‌های زیاد	محلی پر از گل‌های تشکفته و زیبارویان خفته با مرده	سرد و ناامید	
۲۱	گلشن از نازک‌نهلان یک تن سیمین شده است باغ را چون ابر در آغوش می‌باید کشید	سطح وسیع گل‌کاری	مملو از درختانی شبیه به تودهٔ ابر	لطیف و رؤیایی	
۲۲	ندارد خواب با پای نگارآلود، بوی گل به گرد باغ سیری کن سبک‌روحانه در شب‌ها	گل خوش‌بو	فضایی معطر از بوی گل که می‌توان در آن گردش کرد	سیال و معنوی	
۲۳	خاک این باغ به خواب جگر آغشته است برگ گل آینهٔ روی خزان است اینجا	سطح پوشیده از گل سرخ	پر از گل‌های سرخ و خون عاشقان کشته‌شده در باغ	سرد و خون‌آلود	
۲۴	بیدل گذشت خلقی مایوس تشنه‌کامی غیر از نفس در این باغ آبی نداشت چویی	جوی خشک	جایی با جوی خشک‌شده (با چیزی غیر از آب در آن)	فریبنده و بوچ	
۲۵	نفس هر دم زدن صد صبح محشر فتنه می‌خندد هوای باغ موهومی چه افسون می‌کند ما را	هوای باغ	باغ جای افسونگری است (و شاید خودش یک افسون باشد)	وهم‌انگیز و غیرواقعی	بیدل دهلوی غزل شماره‌های ۲۸۲۰ و ۱۴۶۶ و ۱۰۰ و ۱۰۴
۲۶	ز بس پوشیده بلبل در گلستان‌ها لب گل را ز بوی غنچه توان فرق کرد آواز بلبل را	بلبل و گل‌ها در سطوح بزرگ گل‌کاری شده	صحنهٔ معاشرت عشاق و آمیختگی شدید صداها و بوها	عاشقانه	
۲۷	با این قد و عارض به چمن گر بخرامی گل، تاج به خاک افکند و سرو علم را	چمن‌زار، گل و سرو	جای آشفته شدن زیبارویان	آشفته	
۲۸	تماشای بهار انشا خط نارستمای دارم هنوز از سایه قامت می‌کشد دیوار باغ من	دیوار باغ	مکانی با عناصر متحرک مصنوع مانند دیوار	وهم‌انگیز	
۲۹	نارون خاموش... و باغ دیده غارت، بر حرف‌ها که هست...	نارون	مکان غارت‌شده	بخت‌زده	نیما یوشیج اشعار «تو را من چشم در راهم»، «در ره نهفت فراز و ده» و «مرغ آمین»
۳۰	ای گل نوشکفته / اگر چند / زود گشتی زبون و افسرده / از وفور جوانی چینی / هرچه کان زنده‌تر زود مرده	غنچه	مکان ناامید شدن جوانان و از بین رفتن استعدادها	افسردگی	
۳۱	همچو گل بر سر شاخهٔ آویز / همچو مهتاب در صحنهٔ باغ...	شاخه گل و مهتاب	جای روشن از تابش نور ماه	لطیف و رؤیایی	
۳۲	روشنی تندی به باغ آمد... باغ می‌بژمرد... و من به درون دریچه رها می‌شدم	نور	مکان در حال اضمحلال / مکان ورود به جهان ماورایی	وهم‌انگیز، رؤیایی و پرتالابو	
۳۳	هوای باغ از من می‌گذشت و شاخ و برگش در وجودم می‌لفزید / آیا این باغ / سایهٔ روحی نبود که...	نسیم باغ و شاخهٔ درختان	مکان معنوی در حال حرکت به سمت درون انسان	سیال و معنوی	
۳۴	مرا خواب کن زیر یک شاخه دور از شب اصطکاک فلزات!	شاخهٔ درخت	مکان دور شدن از تکنولوژی	آرامش‌بخش	
۳۵	تو اگر در تیش باغ، خدا را دیدی همت کن / و بگو ماهی‌ها حوضشان بی‌آب است / باد می‌رفت به سروقت چنار	حوض، باد و چنار	مکان وجود خدا که در حال خشک شدن است	روحانی و در معرض نابودی	
۳۶	باغ بی‌برگی... خنده‌اش خونی‌ست اشک‌آمیز... / باغبان و رهگذری نیست / باغ نومیدان / چشم در راه بهاری نیست	درختان خشک	مکان متروک	ناامیدی و ویرانی	مهدی اخوان ثالث اشعار «باغ من» و «شهر سنگستان»
۳۷	تاگهان در پرتیان ابرها باغی شکفت / وز میان باغ پیدا شد جمالی تانیاک	ابر	مکان مخفی میان ابرها	رمزآلود و پنهان اسطوره‌های	
۳۸	از باغ‌های خاطره و یاد... / حماسه قدیم او / ابشار نیز / چون ریثتی بلورین در اهتزاز بود	آبشار	مکان خاطرات	حماسی	
۳۹	کسی نمی‌خواهد باور کند که باغچه دارد می‌میرد / که قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است / که ذهن باغچه دارد آرام‌آرام از خاطرات سبز تهی می‌شود	باغچه	جای فراموش شدن خاطرات و احساسات	نوستالژیک و در معرض نابودی	فروغ فرخزاد اشعار «دلم برای باغچه می‌سوزد»، «تولدی دیگر» و «گل سرخ»
۴۰	به رشد دردناک سپیدارهای باغ که با من... از فصل‌های خشک گذر می‌کردند	سپیدار	جای بالغ شدن یا گذار از دردها	تحول و رشد	
۴۱	او مرا بُرد به باغ گل سرخ... و به گیسوهایی مضطربم در تاریکی / گل سرخی زد...	گل سرخ	جای تاریک برای قرارهای پنهانی عشاق	عاشقانه و اضطراب‌آور	
۴۲	من و تو از آن روزنهٔ سرد عبوس / باغ را دیدیم / و از آن شاخهٔ بازیگر دور از دست / سیب را چیدیم	سیب روی شاخهٔ درخت	محل معاشرت پنهانی	گناه‌آلود اسطوره‌های	
۴۳	پایش را چون نهالی در باغ‌های آهن یک کند / کاشتنده! مانند دانه‌ای / به زندان گلخانه‌ای / قلب سرخ ستاره‌ای‌اش را محبوس داشتند	باغ آهنی-گلخانه	جایی برای حبس کردن انسان‌های مبارز	حبس‌کننده و شکنجه‌گر	
۴۴	آسمان، بالای خانه / بادها را تکرار می‌کند / باغچه از بهاری دیگر آبیستن است	آسمان و باغچه	جایی کوچک برای زایش	شادی در شرف وقوع	احمد شاملو اشعار «مرثیه»، «گل در بسته»، «گل کو»، «(۲)»، «بر سنگ‌فرش» و «با همسفر»
۴۵	می‌دود در رگ باغ / باد با آتش تیزبایش فریادکنان	باد	مکانی که بادی سوزان در آن می‌وزد	بسیار گرم و سوزان	
۴۶	پنجه می‌ساید بر شیشهٔ در / شاخ یک پیچک خشک / از هراسی که ز جایش نریاید طوفان	شاخهٔ درخت پیچک و پنجرهٔ بنای درون باغ	صحنهٔ نزاع احتمالی و فرار کردن	تهدیدآمیز و خشونت‌بار	
۴۷	افکند آشیانهٔ متروک باغ را / از شاخهٔ برهنهٔ انجیر پیر باغ	آشیانهٔ پرندگان شاخهٔ درخت انجیر	صحنهٔ خشونت بی‌رحمانه و بی‌خانمانی	تهدیدآمیز و خشونت‌بار	
۴۸	گیاهی دیوار کهنهٔ باغ را فرو پوشیده است... / جراحات آجرها را مرهم سبز برگ شفا بخشیده است	دیوار قدیمی	جای مراقبت و در پناه بودن	درمانگر و مهربان	

۵. بحث

جدول ۳ مبنای تحلیل‌ها در این بخش خواهد بود. در این بخش براساس تصویر اجزای باغ، استعاره‌های نگاشت‌شده و حس فضایی باغ، پژوهش به قیاس میان شعر فارسی کلاسیک و معاصر خواهد پرداخت. شایان ذکر است که در بخش بحث، گاهی از نمونه‌های شعری که در جدول ذکر نشده‌اند نیز استفاده خواهد شد.

۵. ۱. تصویر اجزای باغ در شعر معاصر و کلاسیک

در بخش ۵. ۳. به تفکیک، عناصر موجود در نظام‌های باغ ایرانی در شعر کلاسیک و معاصر مورد بحث قرار می‌گیرند. اما تصویر اجزا به شکل دیگری نیز قابل تفسیرند؛ اینکه آیا تصویر اجزای باغ در شعر کلاسیک و معاصر با اجزای شناخته‌شده باغ ایرانی تفاوت ماهیتی دارند؟

در بخش مربوط به تصویر اجزا میان سبک‌های مطرح شعر کلاسیک تفاوت خاصی دیده نمی‌شود. همه تصاویر به فضاهای شناخته‌شده باغ ایرانی مرتبط‌اند و برداشت مستقیمی از عناصر موجود در آن هستند. اجزایی مانند آسمان آبی و سطح پرگل باغ، درختان و بوته‌های گل سرخ، آب در جوی یا استخر، پرندگان در حرکت، دیوار باغ و... شناخته‌شده‌ترین عناصر یک باغ ایرانی هستند که در شعر نیز به کمک تصویرسازی شاعر آمده‌اند. در مقابل، در شعر معاصر اگرچه همچنان از عناصری مانند غنچه، سرو، گل سرخ و... استفاده شده است، اجزای جدیدی نیز به پیکره توصیف اجزای باغ اضافه شده‌اند. این عناصر از سه جنبه قابل بررسی‌اند:

- **نخست** اینکه در شعر معاصر اجزای جدیدی به کالبد باغ اضافه شده‌اند. برای مثال، در بیتی^۶ از فریدون مشیری در شعر «بهار را باور کن» چلچراغ و سموم، اجزای جدیدی هستند که اضافه شده‌اند. ابتهاج نیز در «سیاه‌مشق» از تبر کاشته‌شده و ازدها در باغ سخن می‌گوید. در ابیاتی که در جدول نیز مورد بررسی قرار گرفتند، نمونه‌هایی مانند گلخانه، شیشه پنجره بنای باغ، آشیانه پرندگان، باغ آهن و... قابل ذکرند.

- **دومین** مورد اینکه عناصر در شعر معاصر وجه توصیفی بیشتری دارند. در شعر کلاسیک، سرو همواره سرو است و تصویر آن تقریباً ثابت به کار رفته؛ اما در شعر معاصر، برای مثال عبارت «نارون» در بیت ۲۹ در کنار صفت «خاموش» استفاده شده است. پس «نارون خاموش» تصویر جدیدی از درخت نارون است. یا در بیت ۴۰ «سپیدارها» رشدی دردناک را تجربه می‌کنند. تصویر سپیدارهای دردمند و بالغ نیز تصویر جدید از درخت سپیدار است. از فریدون مشیری نیز در شعر «آواز آن پرنده غمگین» عنصر «گل نور» (گلی که نور می‌دهد یا از نور ساخته شده است) را می‌توان مثال زد.

- **سومین** مورد مربوط به نحوه کاربست اجزای باغ در شعر کلاسیک و معاصر است. روند این تغییرات از نگاهی برون‌گرا و واقع‌گرایانه به اجزا تا نگاهی درون‌گرا و انتزاعی قابل توضیح است. در این بخش می‌توان بین بخش‌های مختلف شعر کلاسیک نیز تفاوت‌هایی را مشاهده کرد. در شعر خراسانی مدح و ستایش طبیعت و وصف عناصر باغ با جزئیات و اشارات مکرر به سرو و گل و آواز پرندگان و نوازندگان مشاهده می‌شود (بیت‌های ۱، ۵ و ۶) در شعر سبک عراقی، این اجزا بیشتر در خدمت وصف معشوق درمی‌آیند (بیت‌های ۱۱، ۱۵ و ۱۳). همچنین در این سبک عناصر باغ زمینی، نمودی از باغ ملکوتی و بهشت موعودند (بیت‌های ۱۲ و ۱۶). در سبک هندی، شاعر اجزای باغ را در خدمت خلق تصاویر وهم‌انگیز به کار برده است. برای نمونه، در بیت ۱۸ باغ تبدیل به آینه می‌شود و باد آرایشگر چهره معشوق. شاعر این دوره گاهی شاخه گل را به صورت ماری آتش به دهان گرفته می‌بیند و مخاطب را از چیدن آن برحذر می‌دارد. همچنین در بیت ۲۸ دیوار باغ همراه سایه معشوق قد می‌کشد و به این شکل اجزای باغ را وارد تخیل تصویرساز خود می‌کند و حالات درونی خود را به کمک آن‌ها بیان می‌کند. در شعر معاصر اجزای باغ وجهی نمادین و اسطوره‌ای به خود گرفته و در خدمت بیان شرایط فردی و اجتماعی درمی‌آیند. عملاً توصیف باغ و اجزای آن به مثابه کالبدی قابل توصیف از رونق افتاده و عناصر آن وجهی نمادین و کارکردهایی انتزاعی و سیاسی-اجتماعی پیدا می‌کنند.

۵. ۲. نگاشت استعاره و حس فضای باغ در شعر معاصر و کلاسیک

اگرچه این دو مورد در جدول به شکل جداگانه طبقه‌بندی شدند، همان‌طور که ذکر شد، برای تحلیل یافته‌ها، هر دوی این موارد در تعامل با یکدیگر به کار می‌رود؛ به این صورت که برای مثال این موضوع بررسی خواهد شد که حس فضایی

مشترکی مثل «نشاط» و مفاهیم نزدیک به آن (که در شعر کلاسیک در بیت‌های ۱، ۶ و ۱۶ و در شعر معاصر در بیت ۴۴ یافته شده است) چه نگاشت استعاره‌ای در شعر کلاسیک و معاصر دارد. از جمع‌بندی حس‌های فضایی مشترک هشت دسته زیر حاصل شده است که براساس آن‌ها باغ در شعر کلاسیک و معاصر تصویرسازی و تحلیل می‌شود. این تحلیل‌ها پاسخ‌گوی سؤال اول پژوهش خواهند بود و تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر را براساس حس‌های فضایی مشترک نشان می‌دهند. این دسته‌ها مفاهیم نزدیک را در یک گروه قرار داده و بر اساس نگاشت‌های استعاری و حس فضایی به دست آمده، آن‌ها را با یکدیگر مقایسه خواهد کرد.

- حس فضایی مفاهیم «نشاط، امید»: در شعر کلاسیک (بیت ۱ و ۶) باغ صحنه نمایشی بزرگ یا محل اسکان امیران و خوش‌گذرانی آن‌هاست. همچنین در بیت ۱۶، باغ مکان رویش امیدبخش درختان و گل‌هاست؛ درحالی‌که در شعر معاصر (بیت ۴۴) تصویر باغی آستن را می‌بینیم که جایی کوچک برای تولد است. این تصویر شادی در شرف وقوع و امید به بهبودی را نشان می‌دهد.

- حس فضایی مفاهیم «غمگین، ناامید، افسرده»: در شعر کلاسیک (بیت ۲ و ۲۰) باغ مکان افرادی است که در عشق شکست خورده‌اند. باغ جایی است که زیبارویان بسیاری نیز در آن پیش از رسیدن به عشق مرده‌اند. در تصویری دیگر (بیت ۳۳) نیز خاک باغ از خون عاشقان سرخ شده است؛ درحالی‌که در شعر معاصر (بیت ۲۹) باغ جایی است که یک فرد مستعد و جوان در آن افسرده شده است. اگر این بیت را به بیت ۳۰ اضافه کنیم، آن‌گاه تصویر آن فرد افسرده را در باغی متروک با درختان خشک می‌بینیم.

- حس فضایی مفاهیم «ویران، متروک، تنهایی، در معرض نابودی»: در شعر کلاسیک (بیت ۱۳) باغ مکانی است که هر لحظه بیم طوفانی در آن می‌رود. در بیت ۱۹، شاعر تصویر باغی خالی از انسان‌ها را ارائه می‌دهد که فقط جوی آب در آن روان است. در بیت ۱۴، با تصویر باغ خالی پس از بروز یک فاجعه مواجهیم که سطوح سبز و گل‌های آن تخریب شده‌اند. در شعر معاصر (بیت ۲۹) باغ ویران، با درختان خشک خود رها شده است. همچنین با اضافه کردن این تصویر به بیت ۳۵، باغ کوچکی را می‌بینیم که حوض کوچکی دارد که خشک بوده و ماهی‌های آن در خطر مرگ هستند.

- حس فضایی مفاهیم «خاطرات عاشقانه، عشق گناه‌آلود»: در شعر کلاسیک (بیت ۱۲)، باغ مکان یادآوری قرارهای عاشقانه پای درختان و گل‌هاست. در بیت ۲۶، صحنه معاشقه را به وسیله آمیختگی شدید صدای آواز پرندگان و شنیده شدن عطر گل‌ها در باغ می‌بینیم. در بیت ۸ نیز صحنه سرزنش انگورهای رسیده توسط باغبان است (باغبان به ناپاکی آن‌ها مشکوک است) باغ در اینجا محل رخ دادن معاشقه‌های گناه‌آلود و پنهانی است؛ اما در شعر معاصر، باغ، تبدیل به باغچه‌ای کوچک می‌شود که محل فراموش شدن احساسات با زمینی برآمده و خشک است (بیت ۳۹) با افزودن تصویر بیت ۴۱، می‌بینیم که باغچه کوچک، تاریک شده و به تصویر لحظه عشقی اضطراب‌آور تبدیل می‌شود. مکانی تاریک برای قرارهای پنهانی عشاق که در آن گل سرخی روی گیسوان دختری قرار دارد. در بیت ۴۲ نیز تصویر عشاقی دیده می‌شود که هراسناک از درون روزنه‌ای، باغ را نگاه می‌کنند. تصویر معاشقه گناه‌آلود در شعر معاصر تبدیل به نگاه کردن باغ از درون روزنه‌ای سرد و چیدن یک سبب می‌شود.

- حس فضایی مفاهیم «ترس، تهدید، خشونت، حبس و شکنجه»: در شعر کلاسیک (بیت ۷) باغ محلی تاریک برای حبس کردن گناهکاران می‌شود و در شعر معاصر (بیت ۴۳) باغ، سراسر آهنی شده و تبدیل به گلخانه‌ای شده است که محل زندانی شدن چند ستاره سرخ (مبارزان آزادی) است. در شعر معاصر (بیت ۴۶ و ۴۷) تصویر خشونت و بی‌رحمی با آشیانه‌های بر زمین افتاده پرندگان ترسیم شده است. همچنین فضای ملتهب باغ با کشیده شدن ملتمسانه شاخه یک درخت روی شیشه پنجره از درون بنا دیده می‌شود.

- حس فضایی مفاهیم «تحرك، تحول و رشد»: در شعر کلاسیک (بیت ۱۰) مکانی پر از حرکت و جنب‌وجوش به چشم می‌خورد که در آن پرندگان و درختان و گیاهان باهم در جنبش و گفت‌وگو هستند. در شعر معاصر (بیت ۴۰) چنین مفهومی را به شکل تحول و رشد می‌بینیم. جایی که تصویر قد کشیدن دردناک سپیدارها و گذر کردن آن‌ها از فصل‌های بی‌آب تصویر می‌شود.

- حس فضایی مفاهیم «وهم‌انگیز، سحرانگیز، رؤیایی، رمزآلود» در شعر کلاسیک (بیت ۲۵) هوای باغ می‌تواند منجر به جادو شدن انسان شود و شاید حتی خود باغ نیز یک سحر و جادو باشد. همچنین تصویر بیت ۲۸ که دیوار باغ به شکل پویا شروع به افزایش ارتفاع می‌کند، نشان‌دهنده فضای سحرانگیز باغ است. در شعر معاصر (بیت ۳۲) نور تندی در باغ شروع به تابیدن می‌کند و باغ ناگهان فرد را به درون یک دریچه جادویی هدایت می‌کند. تصویر باغ در اینجا سراسر جادویی می‌شود. همچنین در بیت ۳۷، باغ مکانی مخفی است که در میان ابرها وجود دارد و وجهی رازآمیز دارد.

- حس فضایی مفاهیم «لطیف و رؤیایی، پرنور و تالالو، سبک، سیال و معنوی»: در شعر کلاسیک (بیت ۱۷) نسیم از میان محور باغ به صورت رهگذر برخورد می‌کند. رهگذر نیز مانند نسیم سبک‌بار است و گویا جرمی ندارد و شفاف است. به این تصویر می‌توان تصویر باغی پر از آینه را اضافه کرد (بیت ۱۸). این آینه‌ها می‌توانند عناصر انعکاس‌دهنده سطحی مانند استخرهای آب باشند که محل آرایش زیبارویان است. این تصاویر را می‌توان در کنار تصویری از معنویت و سیالیت در بیت ۲۲ در نظر گرفت. باغ در اینجا تصویری از فضای معطری است که می‌توان چون روح گرداگرد آن را پرواز کرد. در شعر معاصر (بیت ۳۱) باغ جایی است که از نور ماه روشن شده است؛ مکانی که آن قدر سبک و غیر جسمانی و شفاف است که ممکن است در یک لحظه با تمام درختانش به درون فرد رهگذر وارد شود (بیت ۳۳). تصویر باغی که شاخه‌های آن در حال تپیدن هستند و خدا جایی در میان تپش آن‌ها پنهان شده است (بیت ۳۵). همچنین در این باغ، سراسر فضا ناگهان با نوری شدید روشن می‌شود، باغ به سرعت شروع به پژمردن می‌کند و دریچه خیالی به سوی رهگذر باز می‌شود (بیت ۳۲).

۵.۳. قیاس حس فضا و کیفیات باغ در شعر کلاسیک و معاصر با اجزای شناخته‌شده باغ ایرانی

در این بخش براساس حس‌های فضایی که در باغ‌های اشعار کلاسیک و معاصر کشف شد، قیاسی با اجزای سازنده باغ ایرانی انجام شده است. این قیاس نشان می‌دهد که هر کدام از نظام‌های سازنده باغ ایرانی چه سهمی در شکل‌گیری حس‌های فضایی باغ‌های اشعار کلاسیک و معاصر داشته‌اند. اصلی‌ترین نظام‌های سازنده باغ ایرانی براساس مطالعه ادبیات پژوهش شامل نظام کاشت، نظام آب و نظام ابنیه هستند. در این پژوهش اجزای این نظام‌ها شامل (درختان، کرت‌ها، گل‌ها، آب، سردر، کوشک، دیوار) به علاوه نظام‌های فرعی تر مانند عناصر اتمسفر (نور، هوا و صوت) و عناصر زنده مانند انسان و جانوران (پرندگان، پروانه‌ها و...) با حس‌های فضایی و تصاویر کشف‌شده مورد قیاس قرار گرفته‌اند که در تصویر ۴ نشان داده شده است. این تصویر نشان می‌دهد که حس‌های فضایی باغ چه تصاویر و مصادیقی در اشعار داشته‌اند و چگونه در اجزای باغ ایرانی متجلی شده‌اند. در مورد حس‌های فضایی باید گفت که برخی حس‌های فضایی ظهور پررنگ‌تری در شعر کلاسیک یا معاصر دارند. برای مثال حس فضایی «شادی» در شعر کلاسیک بسیار پررنگ‌تر دیده می‌شود و مصادیق بیشتری دارد. این مصادیق تصویر باغ را به عنوان محل تاج‌گذاری امیران، محل خوش‌گذرانی با زیبارویان، مکانی برای رویش و سرسبزی همیشگی و... نشان می‌دهند؛ درحالی‌که در شعر معاصر تنها با تصویر زایشی کوچک مواجهیم یا اینکه حس فضایی فریبنده بودن باغ فقط در ابیاتی از شعر کلاسیک یافت شد و مصادیقی برای آن در شعر معاصر دیده نشد.

همچنین به‌رغم اینکه حس‌های فضایی مشترکی میان باغ در شعر کلاسیک و معاصر وجود دارد، این حس‌ها هر کدام مصادیقی مختلف در تصویر ساخته‌شده از باغ ایجاد می‌کنند. برای مثال در حس فضایی تهدید، شعر کلاسیک باغی را نشان می‌دهد که عاشقان در آن زندانی شده‌اند درحالی‌که در شعر معاصر باغ محل زندانی شدن مبارزان آزادی است. یا در حس فضایی افسردگی و غم، باغ در شعر کلاسیک تبدیل به مدفن عاشقان می‌شود؛ درحالی‌که در شعر معاصر محل از بین رفتن استعدادهای جوانان کشور است.

تصاویر ساخته‌شده از باغ در دو شعر کلاسیک و معاصر با تکیه بر حس‌های فضایی آن‌ها را می‌توان با عناصر موجود در ساختار باغ ایرانی نیز مقایسه کرد. این قیاس نشان می‌دهد که نظام کاشت و آب در هر دو شعر بیشترین اجزای سازنده تصویر باغ را داشته‌اند. پس از آن‌ها، عناصر اتمسفر قرار دارند. عناصر اتمسفر (بوی، نور، هوا و صدا) در شعر معاصر نقش پررنگ‌تری داشته‌اند. در قیاس میان شعر کلاسیک و معاصر، نور، هوا و صدا، بیشتر در ساخت شعر

معاصر به کار رفته‌اند. در مرتبه بعدی عناصر زنده باغ مانند پرندگان، پروانه‌ها و... قرار دارند که در باغ تصویر شده شعر کلاسیک بیشتر دیده می‌شوند؛ اما انسان در باغ شعر معاصر حضور پررنگ‌تری دارد. همچنین، عناصر نظام ابنیه در هر دو شعر با نسبت کمتری از سایر عناصر دیده می‌شوند؛ اما در قیاس میان اشعار، در شعر کلاسیک سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

عناصر زنده	ابنیه	تسفر	کاشت و آب	حس فضا	باغ در شعر کلاسیک چگونه مکانی است؟	کاشت و آب	تسفر	ابنیه	عناصر زنده
■	■	■	■	■	مکان خشک شدن جوی‌ها	■	■	■	■
■	■	■	■	■	محل حبس کردن عاشقان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان بسیار نارنگ	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان حضور جاده‌گران	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان غارت شده	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان نامید شدن انسان‌ها	■	■	■	■
■	■	■	■	■	جای نابودی استعدادها	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان مشرک	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان فروش شدن احساسات	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان خشک شدن خدا	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان در حال حرکت به درون لسان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان مخفی میان ابرها	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان ورود به جهان دیگر	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان دور شدن از تکنولوژی	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان تولد	■	■	■	■
■	■	■	■	■	فضای معطر از بوی گل	■	■	■	■
■	■	■	■	■	محل گذری کوتاه و سبک	■	■	■	■
■	■	■	■	■	ساکت و بدون وجود انسان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	رویش و سرسبزی همیشگی	■	■	■	■
■	■	■	■	■	خوشگذرانی با زیبارویان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	انسان در سفر	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان نمایش بزرگ	■	■	■	■
■	■	■	■	■	محل ساز و آواز	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان تاج گذاری و جشن	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان پر جنب و جوش	■	■	■	■
■	■	■	■	■	رویش و سرسبزی همیشگی	■	■	■	■
■	■	■	■	■	در معرض ببری	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان فرار عشاق	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان معاشقه پنهان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان آرایش زیبارویان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکانی با عناصر متحرک	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان جادو شده	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مملو از درختانی از توفه ابر	■	■	■	■
■	■	■	■	■	مکان زیبارویان	■	■	■	■
■	■	■	■	■	خطرناک برای انسان‌های لطیف	■	■	■	■

تصویر ۴: قیاس اجزای باغ ایرانی در شعر کلاسیک و معاصر

۴.۵. تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر

با در نظر داشتن محتوای ابیات تحلیل شده می‌توان گفت که تصویر باغ کلاسیک در شعر خراسانی در لحظه نشاطی سحرانگیز آغاز می‌شود؛ صحنه‌ای از حضور امیران و فرماندهان و زنان زیباروی. گل‌ها و درختان در کامل‌ترین شکل خود رشد کرده‌اند و صدای پرندگان از هرسو به گوش می‌رسد. چنین باغی با درختان و بوته‌های گل سرخ بسیار فریبنده است. برای همین می‌تواند صحنه معاشقه‌ای گناه‌آلود هم باشد. سطوح سبز این باغ در شعر عراقی تبدیل به صحنه نقاشی می‌شوند. پرندگان و گیاهان و درختان به جنبش درآمده و با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. پای درختان زیبا، محل قرارهای عاشقانه و خاطره‌انگیز است؛ اما تصویر عاشق و معشوق واضح نیست. در طول جوی آب درختان کشیده سرو وجود دارد و صدای نهری جاری در میان باغ به گوش می‌رسد. اگر در لحظه‌ای چیزی شبیه به یک هوای افسونگر بر

باغ بوزد، باغ شبیه به تصویر خود در شعر هندی می‌شود. تحرک آن تبدیل به سکوتی رمزآلود می‌شود. همه‌مهمه غریبی از آمیختگی صداها و بوهای گنگ آغاز می‌شود. نسیمی کوتاه در میان باغ جریان یافته و همه‌چیز به قدری سبک و شفاف است که انگار خود باغ نیز یک سحر است. می‌توان همراه این نسیم گرداگرد باغ را چرخید. عناصر انعکاس‌دهنده تصاویر درختان مانند سطوح استخر و رود تالاب غیرعادی دارند و زیبارویانی در آن‌ها مشغول آرایش خود هستند. باین حال باغ از وجود انسانی خالی است. باغ می‌تواند در همین شکل سحرانگیز خود ترسناک نیز باشد. برای مثال در جوی آب، چیزی به جز آب، روان شده و سطح زمین اطراف پوشیده از خون عاشقان کشته‌شده است.

در سوی دیگر باغ معاصر می‌تواند به‌اندازه یک باغچه، کوچک یا به‌اندازه یک باغ اسطوره‌ای بزرگ باشد. گاهی درون باغ سپیدارها با تنه‌هایی بیش از حد کشیده وجود دارند و گاهی باغ، پر از درختان سیب است. این باغ در لحظه ناامیدی، مکانی متروک می‌شود که مردی در میان درختان خشک ایستاده است. شاخه‌های درختان، که گاهی از آن‌ها چلچراغ‌هایی آویخته است، در تقلا برای فرار از اتفاق دردناکی که قرار است رخ دهد، به این سو و آن سو کشیده می‌شوند. اگر از چشم مرد، به سمت خانه میان باغ که چراغی ضعیف در آن روشن است حرکت کنیم، حوضی خشک را خواهیم دید که ماهیان درون آن تشنه‌اند. سطح زمین باغ برآمده و خشک است. تمام باغ را با ورقه‌ای از آهن سخت ساخته‌اند و جای گل‌ها ردیفی از تبرها رویده است. کمی دورتر روی دیوار کهنه و شکسته آجری باغ روزه‌ای دیده می‌شود. روزه‌ای که عاشقان (با جزئیات بیشتری نسبت به تمام شکل‌های شعری قبلی) هراسان از درون آن به تماشای چیزی نشسته‌اند یا اینکه باهم درحال چیدن سیبی از شاخه‌ای رؤیایی هستند. در همین لحظه ممکن است نوری خیره‌کننده باغ را روشن کند؛ نوری که درچه‌ای مکنده را به‌سوی انسان باز می‌کند؛ نوری که باغی جدید را در مقابل چشمان حیرت‌زده ما ترسیم می‌کند؛ باغی که مانند یک اسطوره از میان ابرها متولد می‌شود.

در نتیجه می‌توان به سؤال دوم پژوهش درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های تصویر باغ در دو شعر کلاسیک و معاصر پاسخ داد (پیش از این و در بخش ۵، ۱، تصویر اجزای باغ در شعر معاصر و کلاسیک، نیز بخشی از این پرسش پاسخ داده شده است). تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر در چند ویژگی کلی تفاوت‌هایی مشخص دارند. از نظر توصیف عناصر، درختان و گیاهان در شعر کلاسیک، شبیه به واقعیت خود تصویر شده‌اند. با این تفاوت که می‌توانند رفتارهایی انسانی داشته باشند. البته در شعر سبک هندی، کمی عناصر باغ خیال‌انگیزتر می‌شوند. برای مثال باد آرایشگر زلف معشوق می‌شود یا دیوار براساس قامت معشوق حرکت می‌کند.

اگرچه شاعر کلاسیک هم باغ را گاهی به‌شکل یک کل می‌بیند و آن را در خدمت مفهومی مثل باغ ملکوت درمی‌آورد، به‌شکل کلی برخورداردی جزءنگر با عناصر باغ دارد. او از تک‌تک عناصر باغ برای بیان مفاهیم مورد نظرش استفاده می‌کند (سرو؛ معشوق؛ بلبل؛ عاشق). اما در نگاه شاعر معاصر، باغی مفهومی اسطوره‌ای و پیوسته دارد. در شعر اخوان ثالث (باغ من) که مربوط به کودتای ۲۸ مرداد است، باغ او جلوه‌ای محزون و غم‌بار و معصوم دارد و نشانگر تصویر شاعر از جامعه‌ای است که به عقیده او دیگر قد راست نخواهد کرد. باغ او کلیتی اسطوره‌ای و شکست‌خورده دارد: آسمانش را گرفته تنگ در آغوش*** ابر با آن پوستین سرد نمناکش*** باغ بی‌برگی، روز و شب تنهاست*** با سکوت پاک غمناکش (مهدی اخوان ثالث، «باغ من»)

درخت و عناصر باغ در شعر معاصر به‌نوعی تمام باغ و تمام طبیعت‌اند و شاعر بیشتر به‌جای استفاده از عناصر به‌شکل جداگانه، کلیت و فضای باغ را ابزار بیان مفهوم قرار می‌دهد؛ اما در شعر کلاسیک باغ چند عنصر مشخص و یک کلیت حاصل از عناصر است. وقتی شاعر معاصر از درخت سخن می‌گوید، درخت تمام راز طبیعت و باغی را که آن را احاطه کرده است، در خود دارد؛ اما در شعر کلاسیک یک درخت، تنها بخشی از باغ است.

شاعر کلاسیک در شعر سبک خراسانی و عراقی همچون یک تفرجگر به باغ می‌نگرد. او به باغ آمده است تا لحظاتی از آن را دریافت کرده و دست‌مایه بیان مفهومی دیگر قرار دهد. در شعر سبک هندی، گویا شاعر دریافته که عناصر باغ خاصیتی جادویی دارند؛ پس نگاهش اندکی کاوشگرانه‌تر است. این نگاه در شعر معاصر تمام تصویر باغ را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. شاعر معاصر، انعکاس و تجربه لحظه در باغ را در شعر می‌آورد و صرفاً برای بیان یک معنا یا حس از

باغ استفاده نمی‌کند. گویا شاعران کلاسیک از بیرون باغ و شاعران معاصر درون تک‌تک اجزا و سپس روح کلی باغ قرار گرفته‌اند. نگاه اولی را می‌توان توصیفی، عنصری، حسی و عقلانی دانست که از محدودهٔ درک حسی به سمت درک معنا می‌رود. در این مسیر برای شاعر کلاسیک، باغ، تمثیل، تشبیه و تصویر می‌شود؛ اما برخورد شاعر معاصر، غیر عنصری، کاوشگرانه، ناشناخته، یک‌باره و شهودی است. برای مثال، باغ فروغ در جایی به‌عنوان باغچه و در قامت تصویر جامعه کسالت‌زده است که از سویی توسط سنت و از سویی توسط تجدد، رو به نابودی می‌رود. پس باغ در شعر فروغ، عنصری منزوی و خصوصی‌تر شده است. او از باغچه حرف می‌زند و باغچهٔ خانهٔ او نیز حوضی با کاشی‌های آبی دارد که گویی وامدار تصاویر حیاط‌های خانه‌های سنتی ایران است که هنوز هم نمونه‌های آن وجود دارد.

فروغ از باغچه‌ای صحبت می‌کند که قلب، ذهن و وجودی محزون دارد. «ورم کردن قلب باغچه زیر آفتاب»، استعاره یا توصیف هیچ چیز به‌جز معنای مشخص درد قلب باغچه نیست!

کسی نمی‌خواهد باور کند که باغچه دارد می‌میرد*** که قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده‌ست*** که ذهن باغچه دارد آرام آرام از خاطرات سبز تهی می‌شود*** و حس باغچه انگار چیزی مجرد است که در انزوای باغچه پوسیده‌ست (فروغ فرخزاد، «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»)

در شعر معاصر برخورد شاعر لحظه‌به‌لحظه و نتیجهٔ مواجههٔ مستقیم و نزدیک با باغ است تا جایی که گویا خود او به بخشی از باغ تبدیل می‌شود. به این ترتیب باغ در شعر معاصر در تمام اجزای شعر می‌تند و انگار در یک لحظه، شاعر و شعر و باغ یکی می‌شوند:

در باغی رها شده بودم*** نوری بی‌رنگ و سبک بر من می‌وزید*** آیا من خود بدین باغ آمده بودم*** و یا باغ اطراف مرا پر کرده بودم*** هوای باغ از من می‌گذشت*** و شاخ و برگش در وجودم می‌لغزید (سهراب سپهری، «باغی در صدا»). شاعر در میان شاخه‌های درهم‌تنیده، رنگ‌های ناشناخته و همهمه‌ای که منشأ مشخصی ندارد حرکت می‌کند و در این بین تجربیاتی شاعرانه و کشف‌های جدیدی دارد؛ اما شاعر کلاسیک، در سبک خراسانی و عراقی در باغی با عناصر مشخص تفرج می‌کند و کشفی غیرمنتظره وجود ندارد که او و مخاطبش را غافلگیر کند. تفاوت سبک هندی با دو سبک قبلی در همین مسئله بروز پیدا می‌کند. شعر سبک هندی، سحرانگیزی را در فضای کلی باغ و رویدادهای آن نشان می‌دهد؛ اما این سحرانگیزی حالتی ثابت داشته و گویا با تابلوهای سحرانگیز از دور مواجهیم. پس برخلاف شعر نو با شگفتی و حرکتی پیش‌رونده (سکانس به سکانس) روبه‌رو نیستیم.

در نتیجه می‌توان گفت که تصویر باغ در شعر کلاسیک جزء نگرانه، با روایتی از فاصلهٔ دورتر، در قالب توصیف عناصر و به شکل تصاویر کم‌تحرک و در شعر معاصر کل نگرانه، اسطوره‌ای، کاوشگرانه و نزدیک، شهودی و مبتنی بر حرکت شاعر در فضای باغ است.

جمع‌بندی موارد فوق در این مطالعه نشان داد که از جنبهٔ فرمی، کالبد باغ در شعر شاعران کلاسیک با تصویر آشنای باغ ایرانی شباهت‌های بسیاری دارد. بخش‌های زیادی از توصیفات شاعران، مخاطب را به یاد الگوی شناخته‌شدهٔ باغ‌های ایرانی می‌اندازد. در این مورد نحوهٔ تصویرسازی از حرکت جوی آب، صدای بلبلان و پرندگان، سرسبزی و طراوت درختانی چون سرو و صنوبر و شمشاد، اشاره به چمنزارها، گلزارها و گل‌ها (به‌طور ویژه گل سرخ)، تصویر انسان در قالب عناصر باغ (مانند بلبل و گل) و... قابل ذکرند. البته در دوره‌های مختلف شعر کلاسیک تفاوت‌هایی در تصویر باغ دیده می‌شود. هرچه از سبک خراسانی فاصله می‌گیریم، توصیف باغ به‌عنوان یک پدیدهٔ عینی، کم‌رنگ‌تر می‌شود. در سبک عراقی، باغ همچنان توصیفی عینی دارد؛ اما این وصف به‌اندازهٔ سبک قبلی صریح نیست و دارای جنبه‌های ذهنی‌تر می‌شود. در سبک هندی، گرچه عناصر باغ تفاوتی با سبک‌های قبلی ندارند، تصویر آن‌ها و هم‌انگیز تر و سبک‌تر می‌شود (برای مثال دیوار شروع به قد کشیدن می‌کند و باغ شفاف به نظر می‌رسد).

درمقابل، شعر معاصر، شکلی دگرگونه از باغ را نمایش می‌دهد. تصویر باغ در شعر معاصر، شکل شناخته‌شدهٔ باغ ایرانی نیست. شاعر عناصر جدیدی را به باغ اضافه کرده و تصویر عناصر قبلی آن را دستخوش تغییر می‌کند. سرو،

صنوبر، گل سرخ و جوی آب دیگر عناصر اصلی باغ نیستند. در باغ عنصری جدید مانند تبر می‌روید و حتی ابعاد باغ هم تغییرات قابل توجهی دارد. گاهی مانند باغی ازلی بی‌انتهای و اسطوره‌ای است و گاهی تبدیل به باغچه کوچکی می‌شود. تصویر انسان در باغ، در کالبد خود انسان و عموماً به شکل انسان دردمند، مایوس، افسرده یا هراسناک دیده می‌شود. نگاه شاعر در شعر معاصر به باغ، کل نگرانه‌تر از نگاه شاعر در شعر کلاسیک است. او عناصر باغ را از وجه نمادین سابق خود خارج می‌کند و به شکل شهودی و کاوشگرانه معنایی جدید برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. این معنای جدید عموماً مبتنی بر کارکردهای سیاسی و اجتماعی است. باغ در نگاه شاعر معاصر، نتیجه برخورد لحظه‌به‌لحظه با وقایعی غیرقابل پیش‌بینی است. اگر تصویر باغ در شعر کلاسیک، یادآور نمونه آشنای باغ ایرانی است که عناصر آن در حال صحبت، معاشقه و... هستند، در شعر معاصر، تصاویر صحنه به صحنه خلق شده و مبتنی بر حرکتی سیال در باغ است. تفاوت‌های موجود در معنا و کالبد باغ ایرانی براساس چهار مؤلفه تحلیل عناصر، توصیف عناصر، رویکرد شاعر و نحوه بیان تصویر در شعر کلاسیک و معاصر در جدول ۴ به‌شکلی قیاسی قرار داده شده‌اند.

جدول ۴: جمع‌بندی نتایج پژوهش درباره تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر فارسی

موضوع مقایسه	شعر کلاسیک	شعر معاصر
اجزا	تعدد بیشتر عناصر، فقدان عنصر غیرمنتظره	تعدد کمتر، ترکیب با عناصر جدید و غیرعادی
وجه توصیفی	توصیف کمتر ویژگی‌های حسی عناصر	توصیف بیشتر ویژگی‌های حسی عناصر
کاربست	بیرونی و کالبدی	درونی و انتزاعی
نظام‌های سازنده باغ	کاشت، آب، مصنوع، اتمسفر، عناصر زنده با تأکید بر پرندگان	کاشت، آب، اتمسفر، مصنوع، عناصر زنده با تأکید بر انسان
عناصر طبیعی	درختان سرو، درخت گل، گل سرخ، غنچه، گلستان، چمن، نهر آب، بلبل و چلچله و... < تصاویر منطبق با وضعیت عناصر در حالت عمومی باغ ایرانی و بیشتر با ویژگی‌های رفتاری انسان (صحبت کردن و...)	درختان خشکیده، شاخه‌های شکسته، کلاغ، گل پژمرده، حوض آب، آبنبار، آشیانه پرندگان، ماهی، دریاچهٔ مکنده، زمین خشک برآمده < تصاویر وام‌گرفته از وضعیت عناصر در حالت عمومی باغ ایرانی و در ترکیب با ویژگی‌های ظاهری انسان (برهنگی و زخمی شدن)
عناصر مصنوع	دیوار، درب و کوشک منطبق با وضعیت عناصر در حالت عمومی باغ ایرانی	دیوار آجری شکسته و ریخته، ساختمان کم‌نور، عناصر الحاقی به باغ مانند گلخانه
انسان	زیبارویان، امیران و فرماندهان، افراد عاشق که عموماً در قالب عناصر طبیعی تصویر می‌شوند (کالبد انسان دیده نمی‌شود).	انسان تنها، عشاق هراسناک، جوانان افسرده، مبارزان زندانی، رهگذر (شاعر)
عناصر غیر کالبدی	نسیم خنک بهاری، باد پاییزی، هوای افسونگر، سایه، آسمان آبی، بوی خوش گل	مهتاب، باد سوزان، آتش، ابر، آسمان گرفته، نور خیره‌کننده
جزء و کل‌نگر	رویکرد جزءنگر: توصیفی، عنصری، حسی و منطقی	رویکرد کل‌نگر: غیرعصری، کاوشگرانه و شهودی
صراحت و ابهام	نتیجه درک صریح و بدون ابهام از عناصر باغ: عدم آمیختگی شاعر و باغ	نتیجه برخورد لحظه‌به‌لحظه و حس لحظه‌ای: وحدت وجودی شاعر و باغ در یک لحظه
تصویر شعری	تصویر شامل عناصر (آب، درخت و...) به‌هم‌پیوسته / شبیه به یک تابلو که عناصری از آن متحرک‌اند.	هر عنصر معادل تصویر و کل باغ / تصاویر جدا و قطعه‌قطعه / شبیه به حرکتی سکانس به سکانس
فرم باغ	فرم باغ معین و صریح و بدون قابلیت کشف غیرمنتظره (منطبق بر الگوی آشنای باغ ایرانی)	شاخه‌های درهم‌تنیده، همه‌ما نامشخص، سکوت سنگین: تجربه کشف شاعرانه و غافلگیرکننده
نمادپردازی	نمادپردازی کلاسیک (نماد دنیا، آخرت و...)	جدایی از نمادپردازی کلاسیک و سرچشمه‌گیری از مفاهیم سیاسی-اجتماعی

نتیجه

در این پژوهش سعی شد تا تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. از آنجاکه پژوهش به دنبال فهم تفاوت تصویر باغ در این دو دوره بوده است، از تحلیل یکی از مهم‌ترین روش‌های تصویرسازی، به نام استعاره مفهومی استفاده شد. به این ترتیب شعر فارسی براساس مطالعه ۴۸ قطعه شعری با معیارهای دارا بودن واژه باغ و قابلیت استخراج استعاره مفهومی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. ابیات در سه وجه اجزای سازنده باغ، نگاشت استعاری و فضای حسی تجزیه و تحلیل شدند. در نتیجه می‌توان پاسخ سؤالات پژوهش را مطرح کرد.

سؤال اول پژوهش به دنبال یافتن تصویر باغ در شعر فارسی کلاسیک و معاصر بود. تصویر باغ براساس حس‌های فضایی مشترک در هشت گروه، دسته‌بندی و تحلیل شدند. حس‌های فضایی یافت‌شده در اشعاری که حامل استعاره باغ بودند، شامل حس فضایی برآمده از مفاهیم «نشاط، امید»، «غمگین، ناامید، افسرده»، «ویران، متروک، تنهایی و در معرض نابودی»، «خاطرات عاشقانه، عشق گناه‌آلود»، «خاطرات عاشقانه، عشق گناه‌آلود»، «ترس، تهدید، خشونت و حبس و شکنجه»، «تحرك، تحول و رشد»، «وهم‌انگیز، سحرانگیز، رؤیایی و رمزآلود» و «لطیف و رؤیایی، پرنور و تالو، سبک، سیال و معنوی» بودند. پس از تحلیل ابیاتی که این احساسات فضایی را منعکس می‌کردند، مشخص شد که باغ در شعر کلاسیک به عنوان مکانی برای رویش و سرسبزی همیشگی، مکانی پر جنب و جوش، مکان تاج‌گذاری و جشن، محل ساز و آواز، مکان نمایش‌های بزرگ، محلی برای خوش‌گذرانی با زیبارویان، مکانی خطرناک برای انسان‌های عاشق، مکان زندگی زیبارویان، مکانی پر از جادو و توده‌های ابر، مکان معاشقه‌های پنهان، مکان قرار عشاق، مکانی معطر از بوی گل، مکانی ساکت و بدون وجود انسان، مکانی پر از غنچه‌های خشک، مکانی پر از خونابه عشاق، مکان غارت‌شده، مکان حبس شدن عاشقان و... تصویرسازی شده است. تصویر باغ در شعر معاصر تبدیل به مکانی مخفی میان ابرها، مکان ورود به جهان دیگر، مکان حرکت انسان به درون خود، مکان معاشقه گناه‌آلود، مکان مراقبت و مهربانی، مکانی برای بالغ شدن دردها، مکان دور شدن از تکنولوژی، مکان خشک شدن خدا، جایی با وزش بادهای سوزان و آتش و... می‌شود.

با مقایسه میان حس‌های فضایی، نگاشت‌های استعاری و تصاویر باغ در دو شعر کلاسیک و معاصر فارسی می‌توان پاسخ **سؤال دوم پژوهش** (تفاوت‌های میان تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر) را داد. این قیاس را می‌توان در مورد میزان انطباق تصویر باغ در شعر کلاسیک و معاصر با ساختار شناخته‌شده باغ ایرانی نیز ارائه داد. در پاسخ به این سؤال باید گفت که برخی حس‌های فضایی ظهور پرنگ‌تری در شعر کلاسیک یا معاصر دارند. همچنین به‌رغم اینکه در برخی موارد حس‌های فضایی مشترکی میان باغ در شعر کلاسیک و معاصر وجود دارد، هر کدام از این حس‌ها مصادیق مختلفی در تصویر ساخته‌شده از باغ ایجاد می‌کنند. تصاویر ساخته‌شده باغ در شعر کلاسیک و معاصر را می‌توان با عناصر موجود در ساختار باغ ایرانی مقایسه کرد. این قیاس نشان می‌دهد که نظام کاشت و آب در هر دو شعر بیشترین اجزای سازنده تصویر باغ را داشته‌اند. پس از آن‌ها، عناصر اتمسفر (بو، نور، هوا و صدا) در شعر معاصر نقش پرنگ‌تری داشته‌اند. در قیاس میان شعر کلاسیک و معاصر، عناصر نور، هوا و صدا، بیشتر در ساخت شعر معاصر به کار رفته‌اند. در مرتبه بعدی عناصر زنده باغ مانند پرندگان، پروانه‌ها و... قرار دارند که در باغ تصویرشده شعر کلاسیک بیشتر دیده می‌شوند؛ اما عنصر انسان در باغ، در شعر معاصر حضور پرنگ‌تری داشته است. همچنین عناصر نظام ابنیه در هر دو شعر با نسبت کمتری از سایر عناصر دیده می‌شوند؛ اما در قیاس میان اشعار، در شعر کلاسیک سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. از جنبه فرمی، کالبد باغ در شعر شاعران کلاسیک با تصویر آشنای باغ ایرانی شباهت‌های بسیاری دارد. بخش‌های زیادی از توصیفات شاعران، مخاطب را به یاد الگوی شناخته‌شده باغ‌های ایرانی می‌اندازد. در مورد تفاوت‌های ساختار تصویر باغ در شعر فارسی کلاسیک و معاصر باید گفت که نتایج نشان می‌دهد که شعر معاصر اجزای جدیدی را به کالبد باغ اضافه کرده است. همچنین اجزا وجه توصیفی بیشتر یافته و کارکردی درونی‌تر و نمادین پیدا کردند. به علاوه عناصر توصیف‌شده باغ در شعر کلاسیک تعدد بیشتری دارند، وجوه کالبدی و بیرونی بیشتری داشته و عنصر غیرمنتظره کمتری نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود (به‌استثنای مواردی در شعر سبک هندی). همچنین رویکرد

شاعر در شعر کلاسیک، جزء نگرانه، با روایتی از فاصله دورتر، در قالب توصیف عناصر و به شکل تصاویر کم‌تحرک و در شعر معاصر کل نگرانه، اسطوره‌ای، کاوشگرانه و نزدیک، شهودی و مبتنی بر حرکت در فضای باغ است. در واقع بیان تصویری که شاعر از باغ ایرانی در شعر کلاسیک و معاصر دارد از یکدیگر فاصله دارند. فرم باغ در شعر کلاسیک بر الگوی شناخته‌شده باغ ایرانی منطبق است که تصویری به هم پیوسته، معین، صریح و بدون قابلیت برای کشف‌های غیرمنتظره است؛ اما در شعر معاصر این فرم در هم شکسته و تبدیل به تصاویری منقطع و تجربه‌ای غافلگیرکننده می‌شود.

با توجه به اینکه پژوهش به دنبال ایجاد نمایی کلی از موضوع تصویر باغ در شعر فارسی معاصر و کلاسیک و قیاس آن‌ها بود، گستره وسیعی از دوره‌ها و سبک‌های زمانی را مد نظر قرار داد. این پهنانگری باعث شد تا امکان تمرکز عمیق بر مفاهیم و تصاویر باغ در هر دوره میسر نشده و برخی از دوره‌ها و سبک‌های مهم شعری، با تعداد کمی از ابیات بررسی و تحلیل شوند. همچنین این گستردگی سبک‌ها باعث شد که به‌ناچار و به دلیل تمرکز بر سبک‌های شناخته‌شده، برخی از سبک‌های شعر فارسی مانند سبک وقوع و سبک آذربایجان از دایره تحلیل خارج شوند. در نتیجه پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آتی با تکیه بر دستاوردهای این پژوهش در جهت شناخت عمیق‌تر «تصویر باغ» در سبک‌های مختلف شعر فارسی تلاش کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. William Wordsworth
2. John Keats
3. Matsuo Bashō
4. Mary Jane Oliver
5. Ecocriticism

۶. «شاخه چلچراغ می‌شود... این شکوفه‌های عشق، از سموم وحشی کدام شوره‌زار، رفته‌رفته خار می‌شود؟»

منابع

- امامی، نصرالله. ۱۳۸۲. باغ‌های ایرانی در غزل‌های حافظ. سال‌نامه حافظ‌پژوهی.
- انصاری، مجتبی، و هادی محمودی‌نژاد. ۱۳۸۵. باغ ایرانی تمثیلی از بهشت. نشریه هنرهای زیبا ۲۹ (۲۹): ۳۹-۴۸.
- باستان‌فرد، متین، و نفیسه لیالی مطلق. ۱۳۹۴. تقارب ساختار و معنا در باغ و شعر شیراز. در کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط‌زیست. تهران.
- پارساپور، زهرا. ۱۳۹۱. بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر. مجله ادب فارسی ۲ (۱): ۷۷-۱۰۰.
- پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۱. سفر در مه. تهران: نگاه.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۳. باغ‌های ایرانی. نشریه آبادی، ش. ۱۵: ۷-۴.
- جمشیدیان، محمد، و حامد شکوری. ۱۳۹۳. منظری دیگر از نگاه نیما. نشریه منظر ۶ (۲۷): ۲۶-۳۱.
- حجازی، بهجت‌السادات. ۱۳۹۵. استعاره مفهومی آیه نور در قرآن. نشریه فنون ادبی، ۸ (۳) پیاپی ۱۶: ۸۵-۱۰۲.
- حسن‌زاده نیری، محمدحسن، و علی‌اصغر حمیدفر. (۱۳۹۹). استعاره ادبی و استعاره مفهومی. پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت ۹ (۳): ۱-۲۳.
- خامسی همامانه، فخرالسادات، و فاطمه روحی. ۱۳۸۷. جستاری در مشابهاات معماری و ادبیات. همایش ملی پژوهش‌های نوین در زبان و ادبیات فارسی. ورامین.
- رفاهی، سمانه، و امیر نصری. ۱۳۹۸. تحلیل عناصر معماری در محاکمه کافکا. نشریه نقد ادبی ۱۲ (۴۸): ۸۱-۱۱۴.
- شاهچراغی، آزاده. ۱۳۹۳. بازیابی طرح تک‌محوری چهارباغ ایرانی. نشریه هویت شهر ۸ (۲۰): ۱۹-۳۴.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۹۵. صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شوکتی، آیت، و علیرضا تایوغ. ۱۳۹۷. جایگاه تشبیه، پرسامدترین عنصر خیال در دیوان وحشی بافقی. نشریه قند پارسی ۱ (۱): ۸۳-۶۴
- شیبانی، مهدی، و رضا کسروی. ۱۳۹۶. طبیعت انسانی در نگاه عرفانی، باغ در منظر حافظ. نشریه منظر ۸ (۳۷): ۱۳-۶.
- شیبانی، مهدی. ۱۳۹۳. مباحث کلاس باغ‌سازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- غفوری، عطیه. ۱۳۹۰. باغ ایرانی در شعر حافظ. نشریه اینترنتی معماری منظر. (دسترسی در ۱۴۰۱/۹/۳). <http://www.manzaronline.com/persian-garden-in-hafez>
- فرزین، احمدعلی، و امیر هاشمی‌زادگان. ۱۳۹۵. تفسیر مقام باغ در شعر سعدی. نشریه هنر و تمدن شرق ۴ (۱۳): ۱۲-۳.
- فروزنده، مسعود. ۱۳۸۶. کاربرد تصاویر شاعرانه در شعر بهار، کاربرد تصاویر شاعرانه در شعر. پژوهش‌نامه ادب غنایی ۵ (۹): ۵۴-۳۷
- منصوری، سید امیر. ۱۳۸۴. درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. مجله باغ نظر ۲ (۳): ۶۳-۵۸.
- میرفندرسکی، محمدمبین. ۱۳۸۳. باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی در کجاست؟. خلاصه مقالات ارائه‌شده در نخستین همایش ملی باغ ایرانی. سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری کشور. تهران.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۳. تأملاتی در تمثیل بهشت نامیدن باغ ایرانی. نشریه هنر، ش. ۱۷۴-۴: ۱۸۹.
- Bennett, Adam. 2010. The Garden and the Poem: Towards a Politics of the Garden. *Cultural Politics* 6 (1): 21-38.
- Brown, Logan. 2015a. Gardens as Muse: Exploring the Relationship between Gardens and Poetic Creativity. *Journal of Creative Arts* 25 (3): 112-130.
- Brown, Logan. 2015b. The Poetic Garden: Exploring the Relationship between Poetry and Horticulture. *Horticultural Review* 40 (3): 201-220.
- Johnson, Alice. 2012. Poetry in Bloom: The Interplay between Gardens and Poetic Language. *Journal of Aesthetics and Art Criticism* 25 (4): 67-89.
- Jones, Lee. 2012. The Garden as Metaphor: Exploring The Symbolic Significance of Gardens in Poetry. *Poetry Studies* 9 (3): 78-95.
- Lee, Simon. 2018. The Garden of Words: Exploring the Role of Gardens in Japanese Haiku Poetry. *Journal of East Asian Studies* 35 (1): 24-41.
- Mille, Rolf. 2018. Gardens and Poetic Inspiration: A Psychological Perspective. *Journal of Psychology and Art*, 30 (1): 23-40.
- Schmitt, Rowan. 2005. Systematic Metaphor Analysis as a Method of Qualitative Research. *The Qualitative Report* 10 (2): 358-394.
- Smith, James. 2010a. The Garden of Words: Exploring the Connection between Poetry and Gardens. *Journal of Literature and Landscape* 15 (2): 123-145.
- Smith, James. 2010b. The Influence of Gardens on Poetic Inspiration: A Comparative Study. *Journal of Poetry and Nature* 15 (2): 45-62.

■ A Comparative Study of the Garden Image in Classical and Contemporary Farsi Poetry

Ahmad Mortazavi

Ph.D. Candidate, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

Hamidreza Ansari

Assistant Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

Since ancient times, gardens and literature have been intrinsically linked within Iran's cultural field. A substantial body of lyrical and prose works exists in which gardens appear in diverse forms and perspectives, symbolizing various themes and emotions. This comparative study aims to identify and analyze the portrayal of the Iranian garden in both ancient and modern poetry. Upon determining this imagery, the research seeks to outline the differences and similarities between these representations. This study adopts a qualitative approach, focusing on a deep understanding of garden components, analyzing conceptual metaphors, and the sense of spatial perception within the poems. The qualitative method involves carefully exploring the garden's elements, examining metaphorical mappings, and closely interpreting the spatial sensations conveyed in these poetic works. These elements collectively illuminate how the image of the garden is portrayed across classical and contemporary poetry. To conduct this research, 48 classical and contemporary poetry pieces were studied, with the selection criterion being the presence of the word "garden" in the poem's text and its potential to be perceived as a conceptual metaphor. The findings reveal that the garden's image has undergone notable changes in classical and contemporary Persian poetry, particularly concerning metaphorical mapping, the spatial perception of its elements, and the structure of its parts. The analysis is structured into four broad categories: (1) garden elements, including components, descriptive aspects, and functional applications; (2) description of these elements as natural, artificial, intangible, or human components; (3) the poet's approach, which ranges from a detailed to a holistic perspective, and embraces both openness and ambiguity; and (4) the method of depicting garden imagery, whether through poetic visuals, structured garden forms, or symbolism. This transformation in the garden's depiction from classical to contemporary poetry reveals a significant shift in poetic expression. In classical Persian poetry, the garden is typically portrayed according to the traditional design of the Iranian garden, emphasizing continuity, clear structure, and harmony, representing a serene and balanced space. Conversely, in contemporary poetry, the garden diverges from this established form, breaking into fragmented and disjointed images that aim to create a powerful, immersive experience for the reader. This disintegration of the garden's form in contemporary poetry introduces a sense of disorder and complexity, moving away from the structured natural depiction found in classical poetry. In doing so, it challenges conventional ideals of beauty and tranquility associated with gardens, offering a new interpretation aligned with modern sensibilities.

Keywords: Classical poetry, Contemporary Poetry, Garden Image, Comparative Study, Metaphor Analysis, Poetry Garden Image Variations.